وزارت دادگستری

واژه های نو

که بتصویب فرهنگستان رسیده

تا پایان سال ۱۳۱۸

مشتمل بر دو قسمت

قسمت نخست واژه های نو ـ لغات قدیم

قسمت دوم لغات قدیم ـ واژه های نو

قسمت آخر واژه های نو ـ لغات قدیم / لغات قدیم ـ واژه های نو

مخصوص دادگستری

از انتشارات ادارهٔ فنی وزارت دادگستری

شرکت سهامی چاپ رنگین

اهدائی
محمد علی خاقانی

وزارت دادگستری

واژه های نو

۴۷۴۷۴

که بتصویب فرهنگستان رسیده

کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
تاسیس ۱۳۶۲

تا پایان سال ۱۳۱۸

مشتمل بر دو قسمت

قسمت نخست واژه های نو ـ لغات قدیم

قسمت دوم لغات قدیم ـ واژه های نو

قسمت آخر واژه‌های نو ـ لغات قدیم / لغات قدیم ـ واژه‌های نو **مخصوص دادگستری**

شرکت سهامی چاپ رنگین

شرح علائم اختصاری

که برابر واژه ها درج گردیده

۱	ب	=	مخصوص اصطلاح بانکی
۲	پ	=	» پزشکی
۳	ج	=	» جانور شناسی
۴	ح	=	» حساب
۵	د	=	» دادگستری (قضائی)
۶	ز	=	» زمین شناسی
۷	ط	=	» طبیعی
۸	ف	=	» فیزیکی
۹	گ	=	» گیاه شناسی
۱۰	ه	=	» هندسه

واژه های نو بترتیب الفبا

آ

آئین (اتیکت) تشریفات (سرمونی)

آئین‌دادرسی اصول محاکمات (د)

آئین نامه نظامنامه

آبادان عبادان

آبادکوشك حسن آباد قاشق (نام محل وایستگاه)

آب باز غواص

آب بهاء حق‌الشرب

آبدان مثانه (پ) Vessie

آبدانك مثانهٔ کوچك Vesicule

آبدزدك زراقه (پ)

آبراهه گذرگاه سیل(ز) Canal d' écoulement d' un torrent

آبرفت ته‌نشست آب رودخانه (ز) Alluvion

آبریز (ز) Versant

آبفشان (ز) Geyser

آبکش (ط) Liber

آبگیر Bassin de reception

آب‌یار میراب

آتش‌زنه سنگ چخماق

آتش‌نشان مأمور اطفائیه

آتش نشانی اطفائیه

آخال فضولات

آخر بالاخره ـ الغرض

آخر کار	عاقبت الامر ـ آخر الامر		
آذر سنج		(ف)	Pyromètre
آرامده	مسکن	(پ)	
آرامش	سکون	(ف)	
آرواره	فك	(پ)	Machoire
آزمایش	تجربه		
آزمون	امتحان		
آسان رس	سهل الوصول		
آسان رو	سهل العبور		
آسان یاب	سهل الوصول		
آسایشگاه	(ساناتوریوم)		Sanatorium
آسوده ـ آسوده حال	مرفه الحال		
آسوده خاطر ـ آسوده دل	فارغ البال		
آشکوب	طبقه		
آغاز	ابتداء		

آغازگر	(استارتر) یعنی کسیکه در اسب دوانی فرمان دویدن میدهد		
آغازیان		(ط)	Protistes
آغشتن	آلودن جسمی بمایعی	(ف)	Impregner
آگاهی	اداره تأمینات		
آگنه		(گ)	Bourrelet
آگهی	اعلان		
آلا	ایلو (نام محل)		
آلگون	آلـگو (نام محل)		
آلودگی		(پ)	Souillure
آلودن		(ب)	Souiller
آلوده		(پ)	Souillé
آمار	احصائیه واحصاء		
آمار شناس	متخصص احصائیه		
آمارگر	مأمور احصاء		
آماروثبت احوال	ادارهٔ احصائیه وسجل احوال		

آمپرسنج	آمپرمتر (ف)	
آموزش	آموزگاری ـ آموختن بجای تعلیم میتوان بکار برد	
آموزش و پرورش	تعلیم و تربیت	
آموزشگاه	مدرسه	
آموزگار	معلم دبستان	
آمیزه	اختلاط و امتزاج	
آورتا	ام الشرائین (پ)	Aorte
آوند	وعاء (پ)	
آوندی	وعائی (گ)	Vasculaire
آهکی	کلسی (ز)	
آیرین	(نام محل ایستگاه) قاسم آباد	
اَبردژ	قلعه بلند (نام محل وایستگاه	
اجراء پذیر	قابل اجراء	
اجراء ناپذیر	غیرقابل اجراء	

اراده	(ترن‌داتریساژ) Train d' atteriss-age
اِراك	سلطان آباد عراق
ارتش	قشون
ارز	اسعار
ارزش	اعتبار یك سند یا متاع
ارزنده	دارای ارزش ـ دارای اعتبا
ارزیاب	مقوم
ارزیابی	تقویم
ارزیافت	نتیجهٔ عمل تقویم
اَرسباران	قراجه داغ
ارش	ساعد
از آغاز تا انجام **از اول تا آخر**	من البد والی الختم
ازاین رو	علیهذا
ازدیرباز	قدیم‌الایام

از روی وظیفه حسب الوظیفه

ازسرتابن ـ ازسرتاته من البد والی الختم

ازگرودرآوردن بیرون آوردن چیزیکه بگرو داده شده باشد

اژدر (تربیل)

اژدرافکن (تربیل انداز)

اژدرانداز (لانس تربیل)

اَسپریس میدان اسب دوانی ونمایشگاه

استاد معلم دانشکده و دانشسرای عالی

اُستان ناحیه

استاندار کسیکه کارهای استان را انجام میدهد

استخوان عظم

استخوان شناسی معرفة العظام

استوار کردن ابرام ـ تأیید ـ تنفیذکردن (د)

استوار نامه اعتبارنامه سیاسی

اعتبار اعتمادی که ازطرف بانك یاشخصی به شخص دیگری میشود (ب)

اعتبار نامه ورقهٔ اعتبار (ب)

افروزش اشتعال (ف) Allumage

افزارمند کارگربا آلات و افزار

افزایش جمع

افزودن جمع کردن

افسر صاحبمنصب ارتش

افگنه (ز) Dejection

اگربایستی عندالضروره

اگربشود عندالامکان

اگرلازم باشد عندالضروره

امسال هذه السنه

انجام پذیر قابل اجراء

انجام ناپذیر غیر قابل اجراء

انجمن شهرداری انجمن بلدی

اندازه مقدار

اندام عضو بدن

اندرونه احشاء (پ)

اندرونه شناسی معرفة الاحشاء (پ)

اندوخته ذخیره (پولی است که درشرکتها و بانکها برای احتیاط ذخیره میشود) (ب)

اندیشه فکر

اندیمشك صالح آباد (نام محل و ایستگاه)

انگشت نگاری (داکتیلوسکپی) Dactyloscopie

انگل طفیلی (پ)

انگل شناس طفیلی شناس (پ)

انگل شناسی طفیلی شناسی (پ)

انگلی طفیلی شدن (پ)

ایذه مال امیر (نام محل)

ایشه ایچی (نام محل) ودرفارسی بمعنی جنگل است

ب

بآمدن لدی الورود

باآسایش مرفه الحال

بااینحال ـ با اینهمه معذلك

باجه گیشه

بادامك لوزه (پ)

بارآور صفت سرمایه‌ای است که سودی میدهد (ب)

بارخیز (فرتیل) (گ)

باردهی بارآوری (گ)

بارکشی حمل و نقل ـ نقلیه

بارکشی تند نقلیهٔ سریع السیر

بارکشی کند نقلیهٔ بطی السیر

بارنامهٔ کشتی سند بارکشتی درجنوب آنرا ستمی میگویند

باری بالاخره ـ الغرض

بازبین	(کنترلر)	Contrôleur
بازپرس	مستنطق (د)	
بازپرسی	استنطاق (د)	
بازتاب	انعکاس (ف)	Reflexion
بازجو	محقق	
بازجوئی	تحقیق	
بازداشت	توقیف (د)	
بازداشتگاه	توقیفگاه (د)	
بازداشته	توقیفی و توقیف شده (د)	
بازدانگان	عریان البذور (گ)	
بازدم	زفیر	
بازده	محصول‌مفید_ضریب‌انتفاع (ف)	Rendement
بازدید	بازدید (کنترل)	
بازرس	مفتش	
بازرسی	تفتیش	

بازرگانی	تجارت	
بازگرد	بازکردن وآغاز نمودن حساب (ب)	
بازگردانیدن	بازگشت دادن اضافهٔ پرداختی ازبابت سرمایه (ب)	
بازگشت	برگرداندن اضافه پولی است که شرکاء از بابت سرمایه بشرکت پرداخته‌اند(ب)	Ristourne
بازنشستگی	تقاعد	
بازنشسته	متقاعد	
بازه	فاصله میان دوبال پرندگان (ف)	Envergure
باستان شناس	عالم بعلم باستان شناسی	Archéologue
باستان شناسی	علم به آثار عتیقه	Archéologie
باشگاه	کلوپ و کانون	
باشه	باشماق (نام محل) درفارسی بمعنی مرغ شکاری است	
باغ یك	قاضی آباد (نام‌ایستگاه)	

بافت	نسج	(پ)
بافت برداری	آزمایش نسج زنده	(پ)
بافت شناس	نسج شناس	(پ)
بافت شناسی	نسج شناسی	(پ)
باکتری	(باکتری)	
بالا ـ بلندی	ارتفاع	
بالارو	صاعد(پ) وبجای آسانسور نیز پذیرفته شده	
بالینی	کلینیك بمعنی وصفی	(پ)
بام دژ	قلعهٔ سحر (نام ایستگاه)	
باندازهٔ توانائی	مهماامکن	
بانك	بانك ـ بنگاه صرافی و معاملات نقدی	
بانك دار	کسیکه بانك دارد	
بانگی	بانگلو (نام محل)	
باوجوداین	معذلك	
بایسته	لازم	Necessaire

بایگان	نگاهدارنده و ضباط	
بایگانی	ضبط (در مورد اوراق واسناد)	
بچه زا	جانورانیکه بچه میزایند	(ج) Vivipare
بهترین راه	باحسن وجوه ـ با حسن شقوق	
بهترین روش-بهترین روی بهترین صورت	باحسن وجوه ـ باحسن شقوق	
بخش	اسکادر (نیروی دریائی)	
بخش	۱ هریك از تقسیمات ولایتی ۲ ناحیه	
بخش	تقسیم	(ح) Division
بخش پذیر	قابل قسمت	(ح)
بخش پذیری	قابلیت قسمت	(ح)
بخشدار	متصدی کارهای بخش	
بخش کردن	تقسیم کردن	(ح)
بخش ناپذیر	غیرقابل قسمت	(ح)
بخش ششتمد	تکاب	(نام محل)
بخشنامه	متحدالمآل	

بخشودگی صرف نظر کردن ـ معافیت

بخشوده عفو

بخشی مقسوم (ح)

بخشیاب مقسوم علیه (ح)

بخشیاب مشترک مقسوم‌علیه مشترک ـ عاد مشترک (ح)

بدخوی فاسدالاخلاق

بدستور حسب‌الامر

بخصوص علی‌الخصوص

بدفتر بردن نوشتن رقمهای خریدوفروش در دفترهای رسمی بازرگانی

بدهکار کسیکه پولی‌رابدیگری‌مقروض‌است (ب)
Débiteur

بدهی بدهی

برآورد تقویم

برآورد کردن تقویم نمودن

برآیند منتجه (ف) Resultante

برابر ۱ ـ مساوی (ه)
۲ ـ دوچیز هم ارزش (ب)

برابری ۱ ـ تساوی (ح)
۲ ـ هم ارزی دوچیز (ب)

برات برات (ب)

برات کش محیل (ب)

برات گیر محال علیه (ب)

براه انداختن بکار انداختن سرمایه (ب)

بَرچسب علائم ملصقه باشیاء (اتیکت)

بَرچه قسمت های کوچك مادگی که بمیوه مبدل میشود (گ) Carpélle

برچیدگی انحلال

برحسب صورت ـ برحسب ظاهر علی الظاهر

برحسب معمول حسب المعمول

برحسب وظیفه حسب الوظیفه

برخورد تقاطع (ه) Rencontre

برخه کسر (ح)

برخه دوری کسر متناوب (ح)

برخه‌شمار صورت کسر (ح)

برخه‌نام مخرج کسر (ح)

بُردار (حامل فیزیکی و مکانیکی) (ف)

برداشت عمل برداشتن قسمتی ازچیزی یاسرمایه‌ای قبل ازاینکه‌هنگام تقسیم آنچیز برسد (ب)

بررسی اقتراح ـ مطالعه Révision

بُرز ارتفاع نقطه‌ای ازسطحی (ه) Côte

برزن محلات شهر

برسم علی‌الرسم

برسیدن لدی‌الورود

بُرش ۱ ـ مقطع (ط) Coupe
۲ ـ قسمتی‌ازیك‌ورقه سهم تجارتی (ب)

برشته تشویه شده (ف) Grillé

برگ ورق

برگچه برگ کوچك (گ) Foliole

برگردان ۱ ـ برداشتن پولی از حساب یکنفر و نهادن آن در حساب دیگری ــ انتقال بانکی (ب) ۲ ـ کاغذ کاربن

برگردانیدن انتقال

برگزیدن انتخاب

برگزینی (ط) Sélection

برگشت پذیر چیزیکه ممکن است برگشت کند (ب)

برگه فیش

برگه برگ کوچکی که در پای ساقهٔ گل است (گ) Bractée

برگه‌دان جای قرار دادن برگه ها

برنامه پرگرام

برون‌شامهٔ‌دل غشاءالقلب (پ) Péricarde

برون‌مرزی مصونیت خاصی است که پاره‌ای از اشخاص مانند وزرای مختار و سفرای کبار نسبت بقوانین قضائی کشوریکه در آنجا رفته‌اند دارا میباشند .

بزرگ سیاهرگ زبرین ورید اجوف اعلی (پ)

بزرگ سیاهرگ زیرین ورید اجوف اسفل (پ)

بزودی عنقریب

بزه جرم (د)

بزهکار مجرم (د)

بساك قسمت بالای پرچمهای گل است (گ)
Anthere

بساوائی لامسه (پ)

بساویدن - بسودن لمس کردن (پ)

بستانکار دائن

بستگی رابطه (ح)

بستن حساب عملی است که بواسطهٔ آن حسابی را در بانك ختم میکنند (ب)

بسته
Colis

بس‌شماری ضرب (ح)

بس‌شمر مضروب فیه (ح)

بس‌شمرده مضروب (ح)

بسنده کافی
Suffisante

بسیج آماده شدن برای کاری

بسیجی قابل تجهیز

بصورت - بظاهر علی‌الظاهر

بفرمان - بفرمایش - بفرمود حسب‌الامر

بلور شده متبلور (ز)

بلورشناسی
Cristallographie

بلورلایه متبلور مطبق (ز)

بمب بمب
Bombe

بمباران بمباردمان

بنابراین علیهذا

بنا بمعمول حسب‌المعمول

بنابوظیفه حسب‌الوظیفه

بناور	امچه‌لی	(نام محل)
بن بست	پس کوچه هائیکه در رو ندارد	
بند	مفصل	
بندپائیان	گروهی از جانوران که پای آنها بند بند است (ط) Arthropodes	
بندر سفید گنبد	بندر آق گنبد	
بندر گز	بندرجز	(نام محل)
بند شناسی	معرفةالمفاصل	(پ)
بنگاه	مؤسسه	
بن لاد		(ز) Assise
بنیادی	اصلی (ف)	Fondamental
بورود	لدی الورود	
بوزك		(گ) Levure
بویائی	شامه	(پ)
بویژه	علی الخصوص	

بها	قیمت	
بهداری	صحیه	
بهداشت	حفظ‌الصحه	
بهر	خارج قسمت	(ح)
بهرام	طالب آباد	
بهره	ربح	
بهره کاری	مرابحه	(ح)
بهرهٔ مرکب	ربح مرکب	(ح)
بهشهر	اشرف	
بهل	دونفرکه‌حساب خودرا تصفیه‌میکنندنسبت بیکدیگر بهل میشوند (ب)	Quite
بهمین زودی	عنقریب	
بهمین نزدیکی	عنقریب	
بهنجار	بطریق‌وروش‌معین (ه)	Normale
بی آزار	بیضرر (پ)	Inoffensif

بیابان صحرائی که در آن هیچ نروید (ز) Desert

بی برگشت اعتبار غیر قابل فسخ (ب)

بی پایه گل یا برگی که دم ندارد (گ)

بیدرنگ فی‌الفور ـ علی‌الفور

بیدرمان علاج نشدنی

بیرونی خارجی

بیسران عدیم‌الرأس (ج) Acéphales

بیشینه بیشترین مقدار ممکن (ماکزیموم)

بیك چشم زد طرفةالعین
بیك چشم زدن ـ بیکدم

بیگانه‌خوار (پ) Phagocyte

بیگانه خواری (پ) Phagocytose

بی گلبرگان بیجام و عدیم‌الطاس (گ)

بی‌لپه عدیم‌الفلقه (گ)

بیمارستان‌شهر مریضخانهٔ بلدی

بیماری مرض (پ)

بیماریزا ممرض (پ)

بیماریهای بومی امراض محلی

بیماریهای بیرونی امراض خارجی

بیماریهای پراکنده امراض انفرادی

بیماریهای پی امراض عصبی

بیماریهای‌جهانگیر امراض وبائی Maladies pandemiques

بیماریهای درونی امراض داخلی

بیماریهای‌روان امراض روحی

بیماریهای زنانه امراض نسوان

بیماریهای کودکان امراض اطفال

بیماریهای گرمسیر امراض مناطق حاره

بیماریهای گوش و گلو و بینی امراض گوش و حلق وبینی

بیماریهای مغز امراض دماغی

بیماریهای میزه‌راه	امراض مجاری بول	
بیماریهای واگیر	امراض ساریه	
بیماریهای همه‌گیر	امراض وبائی	Maladies épidemiques
بیمه	بیمه	

(ب)

بیمهرگان	غیر ذوفقار	Invertebrés
بینائی	باصره	
بینام	شرکتی است که بنام هیچیك از شرکاء نامیده نمیشود و تنها بنام تجارت آنها خوانده میشود	

(ب)

ب

پ

پائین رو نازل (پ)

پابرسران رأسی‌رجلی(ج)Céphalopodes

پادار ایاغچی (نام محل)

پادگان ساخلو

پارسا ابوالمؤمن (نام محل)

پارسنگ سنگی‌که‌برای‌ترازمندی در ترازو نهند(ف)

پاره قسمت (ه) Partie

پارینه سنگی عصرحجرقدیم (ز) Paléolithique

پازهر و پادزهر ضد سم (پ)

پاس عمل قراولی ـ موعد قراولی

پاسبان (آژان‌دوپلیس) Agent de police

پاس بخش عوض کننده (درمورد قراولی)

پاسداران هیئت قراول

پاسگاه محل پاس ـ جای قراولی

پاسیار دو نایب سرهنك (درشهربانی)

پاسیار یك سرهنگ (درشهربانی)

پاك Aseptique

پاکت بسته ـ لفافه‌ای‌که نامه را درآن‌میگذارند Paquet

پاکی (پ) Asepsie

پالایش تصفیه (ط) Filtration

پالایه صافی (ط) Filtre

پالودن تصفیه کردن (ط) Filtrer

پایابی مربوط بجائی که چندان‌گودنباشد (ز) Nerithique

پایاپای تهاتر

پایندان کفیل ـ ضامن (د)

پایان نامه رسالهٔ دکتری

پایمزد حق‌القدم

پایور صاحبمنصب شهربانی وکشوری

پایه مبنا (ح) Base

پایه مقام ـ اشل و رتبه

پَت کرکهای ریزد رهـم تافته (ط) Papille

پتك کرکهای بسیارریزدرهم تافته (ط) Papule

پدر بر پدر اباعن جد

پذیرا قبول کننده پرداخت سندی (ب)

پذیرش قبولی (اگرمان)

پذیرفتن قبول کردن

پذیرفتنی قابل قبول ــ چیزی که میتوان آنرا پذیرفت (ب)

پذیره نویسی نوشتن و امضاء کردن در پای نوشته‌ای برای تعهد انجام کاری که در آن نوشته شرح داده شده Souscription

پرتو بینی رادیوسکپی (پ)

پرتوشناس رادیو لژیست (پ)

پرتوشناسی رادیولژی (پ)

پرتونگاری رادیو گرافی (پ)

پرچم میلهٔنر (گ) Etamine

پرداخت تأدیه ودادن پول بکسیکه طلبکار است

پرداختن دادن پولی که دریافت شده (ب)

پرداختنی قابل پرداخت (ب)

پرده (ط) Voile

پرز خمل (ح) Villosité

پرستارخانه (انفیرمری)

پرسش نما سؤالنامه

پرندك رحیم آباد (نام ایستگاه)

پروانچه گواهینامه‌ایست که از دبستان یادبیرستان بدانش آموزان هرسال که درس خود را تمام کرده‌اند داده میشود

پروانه اذن واجازه

پرورش تربیت

پرورشگاه یتیمان دارالایتام

پرَوز (گ) Lignée

پرونده (دوسیه)

پرهیز احتماء (پ)

پریاخته موجوداتی که چند یاخته دارند (ط) Pluricellulaire

پزشك طبیب

پزشك‌خانه کلینیك بمعنی مطب در خارج

پزشك دستیار طبیب معاون

پزشکی طب و طبابت (پ)

پزشکی آزمایشی طب تجربی

پژوهش ۱ ـ تحقیقات وبررسیها وتجسسات علمی
۲ ـ تجسس (ف)

پژوهش‌خواسته مستأنف عنه (د)

پژوهش‌خوانده مستأنف علیه (د)

پژوهش‌خواه مستأنف (د)

پسادست نسیه à-Crédit

پس‌انداز ذخیره (پولی است که از صرفه جوئی‌در هزینه پیدا میشود)

پشت ظهر

پشت درپشت اباعن جد

پشت‌نویس سند ظهر نویسی شده

پشت‌نویسی ظهر نویسی

پشتوانه سپرده‌ایست که کسی برای اعتبار خود در بانك معین میکند

پشیز پول سیاه مس ونیکل

پُل‌دشت قریهٔ عرب (نام محل)

پلشت	قیحی	(پ)	
پلشت	ضد عفونی کننده	(پ)	
پلشت بری	ضد عفونی	(پ)	
پلشتی	قیحی	(پ)	Septicité
پلنگ دژ	عرب لنگ	(نام محل)	
پلیدی		(پ)	Selle-Fecès
پناده (مخفف پناه‌ده)	قان یوخمز	(نام محل)	
پنج پیکر	بشیوسقه	(نام محل)	
پنجه‌داران	جانورانیکه دارای پنجه اند	(ج)	Onguiculés
پوست کن	سلاخ		
پوسته	قشر (مانند قشر زمین)		
پوش		(گ)	Enveloppe
پوشاندن	معین کردن پشتوانه‌دربانك		Couvrire
پوشه	شمیز		

پوشینه		(پ)	Capsule
پول	پول		
پهلو	ضلع	(ه)	Côté
پهلوئی	جانبی	(ه)	Latéral
پهنا	عرض	(ه)	Largeur
پهنك	قسمت پهن برگ	(گ)	Limbe
پهنه	وسعت	(ه)	Aire
پی	عصب		
پیاپی	متوالی		(ح)
پیام	یام	(نام ایستگاه)	
پی بر	اسبهائیکه جایزه‌های دوم وسوم وچهارم را میبرند		
پیخال	پراز مدفوع		(پ)
پیخاله	مدفوع شکل		(پ)
پیدازا	بارزالتناسل		(گ)

پیرامون	محیط	(ه)
پیش آگهی	اخطار قبلی	(ب)
پیش آمد	حادثه	(ذ)
پیشاب	بول	(پ)
پیشاب‌راه	مجرای بول	(پ)
پیش بر	اسبیکه‌جایزهٔ‌نخستین‌رامیبرد (اسب‌دوانی)	
پیش برگ	Préfeuille	(گ)
پیش بها	بیعانه	(ب)
پیش بینی	Pronostic	(پ)
پیش پاس	معالجهٔ قبلی	(پ)
پیش پرداخت	مساعده	
پیش گیری	تقدم بحفظ صیانت	(پ)
پیش نویس	(مینوت)	
پیشنهاد	عرضه	
پیشوا	امامزاده جعفر (نام محل وایستگاه)	

پیشه	کسب وحرفه	
پیشه‌وران	اصناف وکسبه	
پیشینه	سابقه	
پیک	چاپار	
پیکر	رقم	(ح)
پی گرد	کسی که پی چیزی میگردد	
پی گردی	عمل گشتن درپی چیزی	
پی گم	مفقودالاثر	
پیمان	عهدنامه Pacte	
پیمان نامه	تعهدنامه	
پی نوشت	نوشتن در پی چیزی_دستوری‌که رؤسای ادارات در پائین نامه‌ها مینویسند	
پیوسته	متصل	(ه)
پیوسته گلبرگان	پیوسته جام ومتصل‌الطاس	(گ)
پیوند	وَتر (رشته‌هائی که ماهیچه‌هارا بیکدیگر وصل میکنند)	

پیوندنامه مقاوله نامه

ت

تابتوان حتی‌الامکان ـ مهماامکن

تاختگاه خطیکه‌اسبهای دونده درروی آن میدوند

تاراوا طناب صوتی (پ)

تارك رأس (ه) Sommet

تازه‌بنیاد جدیدالاحداث

تازه‌رسیده جدیدالورود

تازه‌ساز جدیدالبنا

تازه‌وارد جدیدالورود

تاژك رشتهٔ درازوباریك (ط) Fragelle

تاقدیس چین خوردگیهای زمین که بشکل طاق است (ز)

تاکستان سیاه‌دهن (نام محل)

تالاب جائیکه درآن آب شیرین میایستد (ز) Etang

تاله طالح (نام محل وایستگاه)

تبدانه‌ای حمیات ثبوری (پ)

تبه‌خوی فاسدالاخلاق

تپه‌سفید تپه سیف (نام محل وایستگاه)

تجارت بازرگانی

تخشائی‌ارتش صناعت ارتش

تخم (ط) Oeuf

تخمدان (ط) (پ) Ovaire

تخمك (ط) Ovule

تخمگذار جانورانی که تخم میگذارند (ج) Ovipare

تراز اختلاف دارائی وبدهی درحساب (ب) Balance

تراز کردن قرار دادن تراز در آخر حساب برای مساوی کردن دوحاصل جمع (ب) Balancer

ترازنامه بیلان (صورت درآمد وهزینه) (ب)

ترازی افقی (ف)

تراك ترك (ز)

ترانزیت حق عبور

تعرفه صورت قیمت و ارزش متاع یا صورت مالیاتی که بمتاع تعلق میگیرد .

تك آغاز محلی که اسبها ازآنجا دویدن را شروع میکنند (استارت)

تکاب تکان تپه (نام محل)

تك انجام محلی که اسبها باید بآن نقطه برسند

تك لپه ذوفلقه (گ)

تك یاخته جانورانی که یك یاخته دارند (ج) Monocellulaire

تلخه رود آجی چای

تله زنگ تله زنج (نام محل و ایستگاه)

تماشاخانه تآتر

تمبر تمبر

تن آسا مرفه الحال

تن پیمائی عمل اندازه گرفتن قسمتهای بدن انسانی .

تن خواه گردان اعتبار متحرك

تندرست صحیح المزاج صحیح البنیه

تندفهم سریع الانتقال

تندکار سریع العمل

تُنده سراشیبی بسیار تند کوه (ز)

تَنده جوانه و نطفه (ط) Germe

تندهوش ـ تندیاب سریع الانتقال

تندی سرعت

تَندیدن جوانه زدن (ط) Germer

تنه (اصطلاح هواپیمائی) Fuselage

تنه بدن (ه) Tronc

توان قوه (ح)

توان دوم مجذور (ح)

توان سوم مکعب (ح)

توپدار کشتی کوچك دارای توپ

توده شناسی علم بعادات ورسوم تودهٔ مردم Folklore

تهران طهران (نام محل و ایستگاه)

ته نشست رسوب (ز)

ته نشسته رسوبی (ز)

تهی (بمعنی وصفی) خالی (ف)

تیپ تیپ

تیر (درهواپیمائی) سهم (ه) Flêche

تیره طایفه ـ خانواده ـ درگیاه شناسی وجانور شناسی (گ)

تیره پشت ستون فقرات

تیز هوش سریع الانتقال

تیکان تکانلو (نام محل)

تیمارستان دارالمجانین

تیمارگاه پست امدادی

تیمچه پاساژ

ج

جاشو عملهٔ کشتی

جاغر جاغرلو (نام محل)

جام همه‌برگهای رنگین‌گل (گ) Corolle

جامه‌گاه جائی است که در بنگاههای شبانه‌روزی رخت و جامه در آن نگاهداری میشود
Garde-robe

جانشین قائم مقام

جداگلبرگان منفصل‌الطاس ـ گشاده جام (گ)

جر تراکهای زمین (ز)

جزوه‌دان (کارتن)

جفت زوج (ف)

جلبك (گ) Algue

جناغ سینه عظم قص ـ استخوان سینه (پ)

جنبش	حرکت (در اصطلاح علمی)	
جنبش درنگی	حرکت مبطئه	(ف)
جنبش شتابی	حرکت مسرعه	(ف)
جنبش شناسی	علم‌الحرکات	(ف)
جنبش یکسان	حرکت متشابه	(ف)
جنس	(دراصطلاح علمی)	Genre
جنگ	نزاع بااسلحه میان دوملت یا دوکشور	Gerre
جنین		(پ) Foetus
جور		(گ) Variété
جوش	غلیان	(ف)
جویدن	مضغ کردن	(پ) Mâcher
جهانگرد	سیاح	
جهانگردی	سیاحت	
جهش	فوران	(ژ) Jaillissement

چ

چاپ	طبع	
چاپخانه	مطبعه	
چاربر	ذواربعةاضلاع	(ه)
چارگوشه	ذواربعةالزوایا	(ه)
چاك نای	مضمار	(پ)
چالاك	سریع العمل	
چرخه	دوران	(ه)
چرك	ریم	
چشائی	ذائقه	
چشم بهمزدن	طرفةالعین	
چشم پزشك	کحال	
چك	چك	(ب)

چك بسته	چك خط کشیده	(ب)
چمین	مدفوع	(پ)
چنانکه رسم است	علی الرسم	
چندانکه بتوان - چندانکه بشود	علی قدرالامکان	
چندی	کمیت	(ح)
چنك	کلاچ	(در هواپیمائی)
چوب ُرست	رستنی‌هائی‌که‌برروی‌چوب‌میرویند	(گ)
چوبی	از جنس چوب	(گ) Ligneux
چونی	کیفیت	(ح)
چین		(ز) Pli
چین افکنده		(ز) Pli-dejété
چین بادبزنی		(ز) Pli-en-eventail
چین برگشته		(ز) Pli-renversé
چین خوابیده		(ز) Pli-couché

چین خوردگی	(ز)		Plissement
چین راست	(ز)		Pli-droit
چین گسیخته	(ز)		Pli-faille
چین واریخته	(ز)		Pli-deversé
چینه	(ز)	طبقهٔ زمین	Strate
چینه شناسی	(ز)	معرفت طبقات الارض	Stratigraphie

ح

حسابدار محاسب ـ رئیس حسابداری

حسابداری ۱ ـ عمل منظم نگاهداشتن حسابها
۲ ـ اداره محاسبات

حواله کرد پول یا چیزیکه پرداخت آن بدیگری واگذار میشود

خ

خ

خارا (گرانیت) وصوان (ز)

خارائی (ز) Granitique

خارانما مانند خارا (ز)

خاره صخره (ز)

خاستگاه مبداء (ط) Origine

خامه رشته های باریکی که در بالای تخمدان گیاه است (گ) Style

خانه‌های شش حبابچه های ریوی (پ)

خاور مشرق

خبر گزاری (آژانس) اخبار

خدایار الهیار (نام محل)

خدمتگزار مستخدم

خدیش خدیجه (نام‌محل) خدیش کلمهٔ‌فارسی وبمعنی خانم خانه‌دار وبانوکده یا کدبانو آمده است

خردنگاری (ز) Micrographie

خرده‌باج عوارض متفرقه

خرمشهر محمره (نام محل)

خرم کوشك خزعلیه در خوزستان

خزانه خزانه

خزانه دار رئیس خزانه

خزه رستنی هائی که در جای نمناك میروید (گ) Mousse

خسته خانه Hospice

خسرو آباد خزعل آباد (نام محل)

خشك نای حنجره (پ)

خشنودی رضایت

خم منحنی (ه)

خم آورتا قوس ام‌الشرائین (پ) Crosse-de l' aorte

خمیدگی انحناء (ه)

خواربار ارزاق

خواسته مدعابه (د)

خوانده مدعی‌علیه (د)

خواهان مدعی (د)

خودخوار Autophage

خودکار دستگاه و آلتی که بخودی خود کار میکند

Automatique (ف)

خورد تغذی (پ) Nutrition

خوشه (گ) Grappe

خیز (درساختمان) بلندی طاق (ه)

د

دادخواست عرضحال (د)

دادرس قاضی (د)

دادرسی محاکمه (د)

دادستان مدعی‌العموم (د)

دادسرا پارکه (د)

دادگاه محکمه (د)

دادگاه استان محکمهٔ استیناف (د)

دادگاه بخش محکمه صلح (د)

دادگاه شهرستان محکمهٔ بدایت (د)

دادگستری عدلیه (د)

داد نامه ورقه حکمیه (د)

داده پول یا سندی که بیانگ داده میشود تا بحساب پرداختی بیرند (ب) Remise

دادیار وکیل عمومی (د)

دارائی ١ ـ آنچه از خواسته وکالا متعلق بکسی باشد ٢ ـ مالیه

دارو دوا (پ)

داروخانه دواخانه (پ)

داروساز دواساز (پ)

داروشناس ادویه شناس (پ)

داروشناسی ادویه شناسی

داروفروش دوافروش (پ)

دازه داز (نام محل)

دام‌پزشك بیطار

دانشجو محصل مدارس عالی

دانشنامه تصدیق مدارس عالیه

داوَر حَکَمَ (د)

داوری حکمیت (د)

دبیر کارمند سفارتخانه که مانند وزیر مختار دارای مصونیت سیاسی است
Secrétaire

دبیرخانه دارالانشاء

دچاری ابتلاء (ب)

درآمد عایدات

درازا طول (ه) Longueur

دربند کوچه های پهن و بسیار کوتاه که درآنها بسته میشود

درجای فی‌المجلس

درخواست خواستن چیزی Demande

دردم فی‌الفور ـ علی‌الفور

در زمان

درست صحیح ـ عددیکه خرده ندارد (ح)

درستکار ـ درست کردار صحیح‌العمل

درشت خوار (پ) Macrophage

در صد نرخ سودی که بهر صد ریال سرمایه بسته میشود (ب)

درمان طریقهٔ علاج (پ)

درمان پذیر علاج شدنی (پ)

درماندگی حال تاجری که نمیتواند وام خود را بپردازد ـ توقف

درمان شناس متخصص در اصول تداوی (پ)

درمان شناسی اصول تداوی (ب)

درمانگاه (کلینیك) بمعنی مطب بیمارستان (پ)

درودگر نجار

درون شامهٔ‌دل غشاء درونی قلب(پ) Indocarde

درونی داخلی (پ)

دریائیان بحریان

دریائی بحری

دریابان امیرالبحر دوم

دریادار امیرالبحر سوم

دریاسالار امیرالبحر یکم

دریافت وصول

دریافتی آنچه بازرگان ازدیگری میگیرد و بحساب خود میبرد

دریا نورد بحر پیما

دریچهٔ دولختی یکی ازدریچه های دل (پ) Valvule-mitrale

دریچهٔ سه لختی یکی ازدریچه‌های دل (پ) Valvule-tricuspide

دریچهٔ سینی یکی ازدریچه‌های دل (پ) Valvule-sigmoïde

دریچهٔ نای دریچهٔ مکبی (پ)

دژیبه غده (پ) (غده هائی‌که دارای سلول عصبی میباشد)

دستگاه جهاز (پ)

دستگاه جنبش جهاز محرکه (پ)

دستگاه رویش جهاز نامیه (پ) Appareil végétatif

دستگیر کردن توقیف‌شخص (د) Arrestation

دستگیری (تعاون بلدی) اداره‌ایست درشهرداری

دستمزد اجرت ـ حق‌الزحمه

دستور دستورالعمل ـ جواز دراصطلاح پزشکی

دستور خوراك رژیم غذائی

دستور خوراك بیمار رژیم بیماری

دست‌ورز متصدی کاردستی

دست‌ورزی کاردستی

دستورکار دستورالعمل

دسته (نیروی دریائی) Section

دستیار معاون فنی

دشت میشان محلی است در خوزستان که طایفهٔ بنی طرف در آن مسکن داشته‌اند

دشت‌مینو حاجی لر (نام‌محل)

دشخوار ـ دشوار صعب‌العبور

دشوار رس صعب‌الوصول

دشوار رونده صعب‌العبور

دشواریاب صعب‌الوصول

دغل ۱ ـ عمل تغییر دادن متاعی برای گمراه کردن خریدار ۲ ـ کسیکه چیزی را برای گمراهی خریدار تغییر میدهد

دفتر ۱ ـ کتاب و مجموعهٔ ورقهائی که دبیران مینویسند ۲ ـ (بورو)

دفترچه دفتر کوچك

دفتردار کسی که دفتر های حساب را بدستور حسابداری مینویسد

دفترداری عمل نگاهداشتن ونوشتن دفترهای حساب بموجب قواعد حسابداری

دفتر رسید دفتر ارسال مراسلات

دفتر نماینده دفتر اندیکاتور

دکتر کسیکه بالاترین رتبهٔ علمی را از دانشگاه میگیرد

دگردیس (ژ) Métamorphique

دگردیسی (ژ) Métamorphose

دلالی عمل دلال

دنده ضلع (پ)

دور عصر (ژ) Epoque

دوران عهد (ژ)

دورگ ذوجنبتین (ط) Hybride

دوره (ژ) Période

دوره نهفتگی دورهٔ کمون (پ)

دوری بُعد (ه)

دوفلزی واحد پول بر اساس دو فلز طلا و نقره (بی متالیسم) (پ)

دوکرانه طرفین تناسب (ح)

دولپه گیاه ذوفلقتین (گ)

دومیان وسطین تناسب (ح)

دهدار متصدی کارهای بلوك

دهدهی اعشاری (ح)

دهستان بلوك

دَهگان عشرات (ح)

دهلیز یکی از دوخانهٔ بالائی دل (پ)
Oreillette

دهلیز یکی از دوخانهٔ کوچك بالای دل (پ)
Vestibule

دَهه عشره (ح)

دید (پ) (نام محل) Vision

دیداری عندالرؤیه

دیدگاه رباط گوزلـگ

دیرفرست (تلـگراف دیفره) Différé

دیرفهم بطی الانتقال

دیرکرد تأخیر Retard

دیریاب بطی الانتقال

دیریاب صعب الوصول

دیرین شناسی (پالئونتولژی) (ز) Paléonto-logie

دیرینگی سابقهٔ خدمت

دیزه دیزج خلیل (نام ایستگاه)

دیوان دادرسی کشور دیوان عالی تمیز (د)

ر

راستا امتداد ـ جهت (ف)

راستکار صحیح‌العمل

راست گوشه مربع مستطیل (ه)

راسته مستقیم (ح) (ه)

راسته (گ) Ordre

راه طریق

راهنمائی و رانندگی تأمین وسائل عبور و مرور وسائط نقلیه

رای رأی (د)

رایزن مشاور ـ مستشار سفارت

رایزنی مشاوره

ربایش جذب (ف)

رخ خطهائی در روی سنگها که چون ضربه‌ای بسنك رسد از آن خط میشکند

رخساره	وضع عمومی آشکوبها (ز)	Facies
رده	طبقه (گ)	Classe
رده‌بندی	طبقه بندی (گ)	
رزم	(محاربه‌میان دوگروه ارتش یادو گروه از مردم)	Combat
رزم ناو		Croiseur
رَژه	دفیله	
رَژه رفتن	دفیله رفتن	
رُستنی	نبات (گ)	
رُستنیها	نباتات (گ)	
رَسته	صنف	
رُستی	ترابی (ز)	
رسدبان دو	نایب دوم در شهربانی	
رسدبان سه	نایب سوم «	
رسدبان یك	نایب اول «	

رسید	قبض رسید	
رسیدگی	تحقیق	
رسیدگی		Vérification
رسیدگی فرجامی	رسیدگی تمیزی (د)	
رسیدگی کردن		Vérifier
رسیدگی نخستین	رسیدگی بدایت (د)	
رسیده	وارد ـ نامه‌هائی که برسد	
رشته	لیف (ط)	Filament
رُفت‌گر	مأمور تنظیف	
رفت وروب	عمل پاك کردن	
رگ شناسی	معرفةالعروق (پ)	
رگه	Filon (ز)	
رُمبش	عمل خراب شدن (ز)	Effond-rement

رُمبیدن	روی‌هم‌خراب‌شدن	Effondrer (ز)
رنگین کمان	قوس وقزح	(ف)
رو	روی کاغذ که مقابل آنرا ظهر گویند	
رو	وجه	(ه)
روادید	ویزا	
روانامه		Exéquatur (اگزکواتور)
رودك	حشمت آباد	(نام ایستگاه)
روده بند		Mésentére (پ)
روزگار		Age (ز)
روزگارپیش - روزگار پیشین	قدیم‌الایام	
روزنامه	دفتریکه خرید و فروش روزانه را درآن مینویسند	(ب)
روش	مشی	(در هواپیما)
روش	رفتار و طرز	

روشنائی		Eclairement (ف)
روشنی	ضیاء	Clarté (ف)
رَوند	مشی کار	Allure (ف)
رونوشت	کپی	Copie
رونویس	۱ ـ ثبات ۲ ـ کسی که ازروی نوشته‌ای نوشته دیگر مینویسد	Copiste
رویان		Embryon (پ)
رویان شناسی		Embryologie (پ)
روی‌هم	مجموع	(ح)
روی‌همرفته	من حیث‌المجموع	
رویه	سطح	(ه)
ریزبین	(میکرسکپ)	(ف)
ریزحساب	صورت جزء حساب	
ریز خوار		Microphage (پ)
ریزدانه		Microlithique (ز)
ریسه داران		Thallophytes (گ)

ریشه جذر (ح)

ریشه پائیان تك یاخته‌هائیکه دارای ریشه‌های بسیارند
(ط) Rhizopodes

ریشهٔ سوم کعب (ح)

ریشگی (رادیکال) (ح)

ریگ شن درشت (ز) Caillou

ز

ز

زاد موالید (پ)

زال قراگز (نام ایستگاه)

زایا مولد (ف) Générateur

زایچه ورقهٔ ولادت

زایشگاه محلی است در ادارهٔ شهرداری که برای زائیدن زنها آماده شده است

زایمان وضع حمل (پ)

زبانك برگ بسیار باریك و کوچك (گ) Ligule

زبانه برگ باریك ودراز (گ) Languette

زبانی شفاهی

زَبرین فوقانی (پ)

زدن ضرب کردن (ح)

زر طلا

زرادخانه ذخایر و مهمات ارتش

زرداب صفرا (پ)

زردپی نام فارسی رباط یعنی رشتهٔ های زردیست که دو استخوان رابهم متصل میکند

زره دار کشتی زره پوش Cuirassé

زرینه بالا آلطون علیا (نام محل)

زرینه پائین آلطون سفلی

زرینه رود جغتوچای

زشتخوی فاسدالاخلاق

زفره (ج) Mandibule

زَفر پوزه (پ) Guele

زمین پیما مساح

زمین شناسی معرفةالارض

زندان محبس

زندان بان مستحفظ زندان

زندانی محبوس

زندگانی	حیات	(پ)
زندگانی نهانی	حیات خفی	(ط) Vie latente
زنده	حی	(پ)
زنگیان	زنگی محله	(نام محل)
زود ـ زود باشد که	عنقریب	
زودفهم ـ زودیاب	سریع‌الانتقال	
زه	وتر	(ه)
زهدان	رَحم	(پ)
زهر	سَم	(پ)
زهرآبه		(پ) Toxine
زهرشناسی	سم شناسی	(پ)
زهره	کیسهٔ صفرا	(پ)
زیار	زیارت	(نام محل در گرگان
زیان	ضرر ـ و نقصان	
زیرخان	یکی از قسمتهای (آسانسور)	

زیر دریائی	تحت‌البحری	
زیرین	تحتانی	(پ)
زینه	درجه	(ف) Degré
زینه بندی	مدرج‌ساختن	(ف) Graduation

ژ

ژرفا	عمق	(ه)	Profondeur
ژرفی	قسمتهای گود دریا	(ز)	Bathyal

ش

س

ساختگی مجعول

ساختمان معماری (ش)

سازش (اصطلاح وزارت امورخارجه)
Accord

سازش صلح (د)

سازمان تشکیلات

سازوبرگ آنچه بسرباز از لباس ووسائل و آلات دیگر داده میشود

سازه عامل (ح)

سال گذشته سنهٔ ماضیه

سالم صحیح‌المزاج ـ صحیح‌البنیه

سالمندان اکابر

سالهای گذشته سنوات ماضیه

سالواره	قطالسنین	(ح)
سبزده	قطانجق	(نام محل)
سبزکوه	کره سی	«
سپارنده	ودیعه دهنده	
سپردن	گذاشتن چیزی درجائی تامدت معینی (ودیعه)	
سپرده	چیزیکه درجائی گذاشته شده	Dépôt
سپیدرگ	وعاء لنفاوی	
ستام	یراق	
ستبرا	ثخن و ضخامت	(ه) Epaisseur
سترون	عقیم ـ نازا	(پ)
سترون کردن	عقیم کردن	(پ)
سترون کننده	عقیم کننده	(پ)
سترونی	عقم	(پ)
ستون	(در هواپیمائی)	Mât
سخت	صعب‌العبور	

سخنران	(کنفرانس) دهنده	
سخنرانی	(کنفرانس)	
سدگان	مآت	(ح)
سده	مائه	(ح)
سرآبیار	سر میراب	
سراسر	من‌البد و الی‌الختم	
سرانجام	عاقبت‌الامر ـ آخرالامر	
سربهر	سلطان	(در شهربانی)
سرپاس	سرتیپ	«
سرپاسبان دو	وکیل دوم	«
سرپاسبان سه	وکیل سوم	«
سرپاسبان یك	وکیل اول	«
سرپزشك	رئیس سرویس در بیمارستان	
سرتاسر	من‌البد والی‌الختم	
سرچشمه	باشبولاق	(نام محل)

سرخ رگ — شریان (پ)

سرخ نای — مری (پ)

سرداور — حکم مشترك (د)

سررسید — موعد

سررسید نامه — دفتریست که سررسید سند هارا معین کند

سرکلانتری — ادارهٔ (پلیس)

سرکنسول — (ژنرال کنسول)

سرلاد — سلاخ (نام محل)

سرمایه — Capital

سرمایه‌دار — Capitaliste

سرناوی — سرجوخهٔ بحری

سرو — شاخ (ج) Antenne des insectes

سرونك — سروی کوچك (ج) Antennule

سفته — فته طلب (ب)

سفته بازی — خرید وفروش سندهای تجارتی (ب)

سفیدتپه — آق تپه (نام محل)

سفیدرود — قزل اوزن

سفید گنبد — آق گنبد نام یکی از بندرهای دریاچه رضائیه است

سلمان کند — سلیمان کندی (نام محل)

سماق‌ده — سماق‌لو

سماك — سنگ سماق (ز)

سماك‌نما — Prophyroïde (ز)

سمداران — جانورانیکه دارای سم هستند (ج) Ongulés

سنبله — Epi (گ)

سنجاقك — سنجاق کوچکی است که در سوراخهای سرپیچ ها قرار میدهند

سنگ — حجر (ز) وزنه (ف)

سنگ‌تراش — حجار

سنگ شناسی — معرفةالاحجار (ز)

سنگ ماسه	(ز)	Grès	
سنگواره	مستحاث	(ز)	Fossile
سنگ واندازه ونرخ	اوزان و مقیاسها و نرخ		
سنگینی	وزن وثقل	(ف)	
سو	جهت	(ف)	
سوخت	قابل احتراق	(ف)	
سوخت آما	مخلوط کنندهٔسوخت		Carburateur
سوخت پاش			Gicleur
سود	منفعت حاصل از بازرگانی		
سودناویژه	منفعت غیر خالص		
سود و زیان	نفع و ضرر		
سود ویژه	منفعت خالص		
سوزآور	محرق	(ف)	Caustique
سوزآوری	احراق	(ف)	Causticité
سوزا	قابل احتراق وسوختنی	(ز)	Com-bustible

سوزائی	قابلیت احتراق	(ف)	Com - bustibilité
سوزان	محترق	(ف)	Brulant
سوزاننده	محرق	(ف)	Comburant
سوزن زدن	زرق	(ب)	Piqure
سوسن گرد	خفاجیه	(نام محل)	
سویه	(درمیکربها)	(پ)	Souche
سه بر	سه ضلعی		(ه)
سه گوشه	مثلث		(ه)
سیاهاب	قره سونام رودیست درگرگان ونام ایستگاه		
سیاه پایه	قره غایه		(نام محل)
سیاه چر	قره چر		»
سیاه چمن	قراچمن		»
سیاه دشت	قره غان		»
سیاهرگ	ورید		
سیاه گل	قره گل		»

سیاه گندم	قره بغده	(نام محل)
سیاه ناو	قره ناو	»
سیاهه	صورت حساب	
سیخک	(مخصوص هواپیمائی)	Béquille
سیلیسی	(ز)	Siliceuse
سیمین دشت	حسن آباد	(نام ایستگاه)
سیمین رود	طاطائو چای	(نام محل)
سینه	صدر	
سیه چشمه	قراعینی	

ش

ش

شاخه شعبه (گ)

شادباش تبریك

شادگان فلاحیه (نام محل)

شازند ادریس آباد (نام ایستگاه)

شامه پوسته نازك (ط) (پ) Mem-brane

شامهٔ شش غشاء جنب (پ) Plévre

شاهین دژ صاین قلعه (جنوب دریاچهٔ رضائیه)

شتاب (ف) Accélération

شتاب نما (ف) Hodographe

شخانه احجار ساقطه (ز)

شفاخانه پست صحی امدادی مدارس

شکاف تراك سنگ (ز) Fente

شکست انکسار (ف) Refraction

شکست گسیختگی سنگهاو جداشدن آنها (ز) Cassure

شکستن نقض (د)

شکم پایان حیوانات بطنی رجلی (ج) Gastropodes

شکمه بطن (ب)

شماره نمره

شمش قطعه فلزی که هنوز چیزی با آن ساخته نشده

شن ریگ ریز (ز) Gravier

شناسنامه ورقهٔ هویت

شنوائی سامعه

شوشه منشور (ه)

شه بخش اسماعیل زائی (نام طایفه ایست درمکران)

شهپر پرهای بزرگ مرغان (آلت تعیین جهت وامتداد حرکت درهواپیما) aileron

شهر بلد

شهربانی	نظمیه	
شهردار	رئیس بلدیه	
شهرداری	بلدیه	
شهری	حضرت عبدالعظیم	
شهرستان	ولایت	
شهریار	رباط کریم	(نام ایستگاه)
شهنواز	یار احمد زائی	(نام طایفه‌ای در مکران)
شیرخوارگاه	دارالرضاعه	
شیرهٔ پرورده	(گ)	Seve-élaborée
شیرهٔ خام	(گ)	Seve-brute
شیشه‌ای	زجاجی	(ز)

ص

صرف اختلاف مابین بهای واقعی پول وقیمتی که در بازارخرید وفروش میشود(ب)

صندوق جعبهٔ چوبی یا فلزی برای نگاهداشتن یا بردن کالا ازجائی بجائی (ب) Caisse

صندوقدار کسیکه در اداره یا بانك پول دریافت یا پرداخت مینماید (ب) Caissier

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
تاسیس ۱۳۷۲ هجری شمسی

ط

طلبکار کسیکه پول یا کالائی از دیگری باید باو برسد Créancier

ع

عدسك برجستگی های کوچك مانند عدس که بر روی ساقهٔ گیاهان است (گ)
Lenticelle

غ

غده (پ) Glande

غلت گردش جسم درروی جسم دیگر (ف) Roulement

غلتان چیزی که می غلتد (ف) Roulant

غلتك لوله‌ای که‌می‌غلتد (ف) Rouleau

غلته لولهٔ کوچکی که می غلتد (ف) Roulette

غلتیدن گردیدن جسم برروی‌جسم دیگر (ف) Rouler

غُند جرم (ف) Masse

غُنده مصمت (ف) Massif

ف

ف

فراخواندن احضار مأمور

فرایاز متصاعد (ح)

فرایازی تصاعد (ح)

فرجام رسیدگی تمیزی (د)

فرجام خواسته ممیز عنه (د)

فرجام خوانده مستدعی علیه تمیز (د)

فرجام خواه مستدعی تمیز (د)

فرخ زاد عرب‌اغلو (نام محل)

فرسایش عمل فرسودن (ز) Erosion

فرستاده صادر ـ صادره درجائی که بمعنی فرستادن باشد مانند (مال التجاره صادره) و (مراسله صادره)

فرسودگی اسقاط شدن ـ کهنه شدن ـ ضایع شدن

فرسودن سائیده شدن زمین (ز) Eroder

فرماندار حاکم شهرستان

فرهنگ معارف

فزونی مازاد

فشار ضغطه (ف) Pression

فوزیه سفید چشمه (محل اتصال خط آهن شمال و جنوب)

فهرست (ر پرتوار ـ اندکس)

ف

ق

قانونگذاری تقنینیه

قبله چشمه قبله بولاغی (نام محل)

قپانداری باج قپان

قرارداد (نوشته ایست که مابین دویا چند نفر ردوبدل میشود Contrat

قرنتین قرانطینه (پ)

قفس سینه قفس صدری (پ)

ق

ك

کاخ دادگستری عمارت عدلیه (د)

کار شغل

کار آگاه (پلیس) مخفی

کار آموز (استاژیر)

کارآموزی (استاژ)

کارپرداز رئیس مباشرت ـ متصدی ملزومات

کارخانه نام ایستگاه شماره ۱۰ راه آهن شمال است

کاردار (شارژ دافر)

کارشناس اهل خبره (د)

کارشناسی خبرویت (د)

کارکنان نام کسانی که در وزارتخانه ای بکار مشغولند
Personnel

کارگزار کسیکه کار های بانك را در شهر دیگری انجام میدهد (ب)

کارگزاری بنگاههائی است که معاملهٔ اشخاص را برعهده میگیرد

کارگزین رئیس کار گزینی

کارگزینی ادارهٔ استخدام و پرسنل

کارمزد حق‌العمل

کارمند عضو اداره

کارورز (پ) Interne

کاس برگ (گ) Sépale

کاستن کم کردن ـ تفریق کردن (ح)

کاسته مفروق (ح)

کاسه حقهٔ گل (گ) Calice

کاسه سر جمجمه (پ)

کالا مال‌التجاره ـ متاع ولباس واسباب خانه

کالبد شکافی تشریح عملی (پ)

کالبد شناسی تشریح (پ)

کالبد گشائی فتح میت (پ)

کامروا مقضی‌المرام

کامیار قاچیان (نام محل)

کامیاب مقضی‌المرام

کان معدن

کان شناسی معدن شناسی (ز)

کانون سوارکاران (ژکی کلوب)

کانی معدنی (ز)

کاو مقعر (ف)

کاواك مجوف ـ میان تهی (ف) Creux

کاهش تفریق (ح)

کاهش یاب مفروق منه (ح)

کبودان قوتلو (نام محل)

کتابخانه (Bibliothèque)

کتاب شناس عالم بکتاب و مطبوعات Biblio - graphe

کتاب فروشی مغازه ایکه در آن کتاب فروخته میشود Librairie

کج راهی انحراف (ف)

کرانه (دریا) ساحل دریا (ز) Littoral

کرجی قایق پاروئی یاموتوردار

کردکوی کرد محله (نام محل)

کرک پر یاپشم بسیار نرم (ط) Duvet

کرو کرجی که باباد حرکت میکند

کشاورزی فلاحت وزراعت

کشت زراعت برای پرورش میکرب (پ)

کشتارگاه مسلخ

کفک قارچهائی که برروی مواد غذائی میرویند

کلاپرک ساقه‌ایکه گلهای کوچك بسیاربرروی آن قرارمیگیرند Capitul

کلاچك قلعه جقه (نام‌محل)

کلاك (استپ) (ز) Steppe

کلاله تکمه (گ) Sigmate

کلانتر رئیس کلانتری

کلانترمرز (کمیسر) سرحدی

کلانتری (کمیساریا)

کلانده قیلون (نام محل)

کلاهك محفظهٔ ریشه (گ) Coiffe

کلید مفتاح

کمان قوس (ه) Arc

کم بود کسر

کم هوش بطی‌الانتقال

کمینه کمترین‌مقدارممکن_حداقل Minimum

کنار ساحل رود (ز) Rive

کناره (عمومی) ساحل (ز) Rivage

کند فهم بطی‌الانتقال

کُنده (در درختان) قسمت پائین درخت Souche

کنسول قنسول

کنسول‌یار (ویس) قنسول

کُنش عمل ـ فعل (ف) Action

کوپلان ده قپلانتو (نام محل)

کوچك قوجق

کودرُست گیاهانی که بر روی کود میرویند

کودن بطی‌الانتقال

کور کورانه علی‌العمیا (علی‌العمی)

کوژ محدب (ف) Convex

کوشك قاشق (نام محل)

کولاب آبگیر کوچك که آب درآن بماند (ز)
Mare

کوه‌زا (ز) Orogénique

کوه زائی حرکات پوستهٔ زمین که موجب پیدایش
کوهها میشود (ز) Orogénèse

کوی کوچه‌های بزرگ از ۶ تا ۱۲ متر

کیسه (پ) Kyste

کیسه بستن S'enkyster

کیسه بندی (پ) Enkystement

کیفر مجازات (د)

کیفری جزائی (د)

گ

گاوصندوق صندوق بزرگ آهنین

گچ ساران گچ قره گلی (نام محل)

گداز ذوبان

گدازه تودهٔ گداخته که از آتش فشان بیرون میریزد (ز) Lave

گذر معبر

گذرنامه تذکره (پاسپورت)

گرانبها چیزیکه ارزش وبهای زیاد دارد

گرانی ثقل (ف)

گرانی گاه مرکز ثقل (ف)

گرد افشانی پراکنده شدن گرده گل (گ) Pollinisation

گردش	جریان		Circulation
گردش خون	دوران دم		
گرده	قرص	(ف)	Disque
گرده	(پُلن)	(گ)	Pollen
گرده		(پ)	Rein
گرمابه	حمام		
گرماسنج	(کالریمتر)	(ف)	
گرمسار	قشلاق	(نام ایستگاه)	
گرو	وثیقه		Gage
گروگان	مرهونه		
گروه	دسته	(ز)	Groupe
گزارش	شرح و تفسیر چیزی گفتن و ادا کردن سخن		Rapport
گزش		(پ)	Morsure
گسله	گسیختگی طبقات موازی زمین	(ز)	
گسیختن	فسخ	(د)	

گش		(ط)	Humeur
گشتاور	عزم در اصطلاح مکانیك	(ف)	Moment
گشنیدن	آمیختن نر وماده	(ط)	Féconder
گشتی	دسته‌ای ازنگهبانان که باید مسافت معینی رانگهبانی کنند		Patrouille
گل	ازآمیخن خاك‌وآب‌ساخته میشود	(ز)	Boue
گل آذین	طریق جای گرفتن گلها بر روی شاخه ها	(گ)	Inflorescence
گلبرگ	برگهای رنگین گلها	(گ)	Pétale
گلخیزان	قلیان	(نام‌محل)	
گلزار بالا	قوزلو علیا	»	
گلزار پائین	قوزلو سفلی	»	
گلسنگ	لیخن		(گ)
گلشن	گلین	(نام محل)	
گلوی زهدان	عنق رَحم		(پ)

گماشتن	نصب		
گمشده	مفقودالاثر		
گمنام	مجهول‌الهویه		
گنج	حجم	(ف)	Volume
گنجا	حجیم	(ف)	Volumineux
گنجه	قفسهٔ جای کتاب		
گنجینه	مخزن کتاب		
گند زدا	ضد عفونی کننده	(پ)	
گند زدائی	ضد عفونی کردن	(پ)	
گند زدوده		(پ)	Désinfecté
گندمان	طاهر بوغدا	(نام‌محل)	
گنگ	اصم	(ح)	
گوارش	هضم		
گواه	شاهد	(د)	
گواه خواستن	استشهاد کردن	(د)	
گواه خواهی	استشهاد	(د)	
گواهی	شهادت	(د)	

گواهینامه	شهادت نامه ـ تصدیق نامه		
گوشت‌فروش	قصاب		
گوشك	اذین ـ گوشهٔ کوچك	(پ)	
گومیشان	گمش تپه	(نام‌محل)	
گوشه	زاویه	(ه)	
گوشه باز	زاویهٔ منفرجه	(ه)	
گوشه تند	زاویهٔ حاده	(ه)	
گونه		(ط)	Espèce
گویا	منطق	(ح)	
گوی	کره	(ه)	
گیاه		(گ)	Plante
گیاه شناسی	معرفةالنبات	(گ)	
گیره	چنگال دوشاخه‌ای که در دهان جانوران است	(ج)	Pince

ل

لاشه جسد (پ)

لای از ته نشست آب ساخته میشود (ز)

لایه طبقه (ز) Couche

لجن گلی که درته آب میماند (ز) Vase

لشاب جائیکه آب ایستاده ودرآن علف ونی بروید
(ز) Marécage

لغزش تغییر محل جسمی بر روی جسم دیگر
بقسمی که نغلتد و نچرخد (ف)
Glissement

لگن لـگن خاصره (پ)

لگنچه حوضچه (پ)

م

مادگی	آلت تأنیث در گل	(گ)	
مازیار	حاج علینقی	(نام محل)	
ماسه	شن بسیار نرم	(ز)	Sable
ماسه زار	صحرائی که ماسهٔ نرم دارد	(ز)	Sablière
مالش	اصطکاك	(ف)	Frottement
ماما	قابله		
مامك بالا	مامق علیا	(نام محل)	
مامك پائین	مامق سفلی	«	
مانداب	جائیکه در آن آب مانده و بدبو میشود	(ز)	Marais
مانده	۱ـ تفاضل	(ح)	
	۲ـ تفاوت جمع در یافتـی و پرداختی یك تجارتخانه	(ب)	Solde

مایچه عضله (پ)

مایچه شناسی معرفةالعضلات (پ)

مایه بنیاد هرچیزرا گویند (پ) Vaccin

مایه زنی (پ) Vaccination

مایه کوبی تلقیح واکسن (پ)

مدال سکه مانندی‌است که بپاس خدمت کسی بوی‌داده میشود Médaille

مرجان (ط) Corail

مرداب پیش رفتگی کوچك دریا درخشکی (ز) Lagune

مردسیاسی رجل سیاسی

مردم شناسی علم تشریح کار های مادی اقوام و ملل مختلف Anthropologie

مرده متوفی (پ) Le mort

مرده زاد مولودمرده‌بدنیاآمده (پ) Mort-né

مرده زادی (پ) Mortinatalité

مرز دار افراد گارد سرحدی

مرز داری ادارهٔ گارد سرحدی

مرگ موت (پ) La mort

مژك داران تك یاخته هائی‌که دارای‌چند مژه میباشند (ط) Ciliés

مسکین‌خانه دارالمساکین

مشکا آباد ابراهیم آباد (نام ایستگاه)

مغاکی مربوط بقسمتهای بسیارگوددریا (ز) Abyssal

مغز تیره نخاع

مفاصا سندی است که در تاریخ معین پس از رسیدگی‌حساب بعضویکه درآمد هزینه‌ای برعهدهٔ اوبوده داده میشود Décharge

ملوان ناوبر در کشتی های تجارتی ـ ملاح

مو شعر (ط) Poil

موئین شعریه (ط) Capillaire

موزه مکانیکه آثار صنعتی و چیز های گرانبها در آن بمعرض نمایش گذارده میشود

مومیاکاری Momification (پ)

موی‌رگ عروق شعریه (پ)

مهاباد ساوجبلاغ مکری (نام محل)

مهار قسمتی است در هواپیما که بالها را بهم مربوط میسازد Hauban

مُهر استامپ

مهرانرود میدانچای (نام سیلابی‌است که ازتبریز میگذرد)

مهرانگشت اثر انگشت آلوده بمرکب برروی کاغذ

مُهره هریك از استخوانهای تیره پشت را که پی از آنها گذشته فقره گویند

مهره‌داران ذوفقار (ج) Vertébrés

مهمیز دنباله‌ای‌که درپای یکی ازگلبرگ‌ها دیده میشود (ز) Epéron

مهناوی دو گروهبان دو (نیروی دریائی)

مهناوی یك گروهبان یك »

میان وسط (ه) Milieu

میانه ۱ـ متوسط‌ومعتدل(ه)Moyenne
۲ـ نام صحیح محلی است درآذربایجان که های آخر آنرا تبدیل‌به ج کرده‌میانج مینامیدند
۳ ـ خطیکه از رأس مثلث بوسط قاعده متصل میشود (ه) Médiane

میرابی دائرهٔ میاه

میزه‌شناس (پ) Urologue

میزه نای حالب (پ) Urétère

میکرب جانوران ذره‌بینی‌بسیار کوچك (پ) Microbe

میکروب شناس (پ) Microbiologiste

میکرب شناسی (پ) Microbiologie

میله رشتهٔ باریك زیرپرچم در گلها (گ) Filet

مین اسبابی است که در زیر کشتیهای دشمن گذارده میشود تا انفجار آن‌موجب خرابی و شکستن کشتی شود

ن

ناپدید	مفقودالاثر	
ناپذیرفتنی	غیر قابل قبول	
ناپیدا	مفقودالاثر	
ناچار	بالضروره	
ناخدا دو	سرهنگ دو بحری	
ناخدا سه	سرگرد بحری	
ناخدا یك	سرهنگ بحری	
ناخنك	ناخن کوچك (گ)	Onglet
ناراسته	غیر مستقیم	(ه)
ناسنجیده	علی‌العمیا (علی‌العمی)	
ناشناخت	مجهول‌الهویه	
ناشناس		

نافه مجموعهٔ پرچمهای گیاه (گ)

ناگزیر بالضروره

نام‌آوران ناهارخوران (نام محل)

نام‌ونشان سجل

نامه مراسله ـ مرقومه

نانوا خباز

نانواخانه خباز خانه

ناو کشتی جنگی بمعنی اعم

ناو استوار دو استوار دو (در نیروی دریائی)

ناو استوار یك استوار یك ، ،

ناوبان دو ستوان دو ، ،

ناوبان سه ستوان سه ، ،

ناوبان یك ستوان یك ، ،

ناوبر رانندهٔ کشتی ، ،

ناوبری هوائی Aéronavigation

ناوتیپ نظیر لشکر در ارتش (نیروی دریائی)

ناوچه کشتی کوچك جنگی

ناودیس چین خورد گیهای زمین که بشکل ناواست (ز)

ناوسروان سروان بحری

ناوشکن کشتی کوچك بسیار تندرو برای دنبال کردن اژدر افکن ها Contre-torpilleur

ناوگان جهازات جنگی Flotte

ناوگروه نظیر تیپ در ارتش (نیروی دریائی)

ناوی سربازی که در خدمت دریائی است

ناهنجار بیقاعده وبرخلاف طریقهٔ معین (ف) Anormale

ناهید نجف آباد (نام ایستگاه)

نای قصبةالریه (پ)

نایژه شعبهٔ قصبةالریه (پ) Branche

نبرد محاربه وجدال میان‌دوسپاه Bataille

نبرد ناو Croiseur de bataille

نخست وزیر رئیس‌الوزراء

نخ گروهه نخ عمامه

نرخ قیمت و ارزش هرسند یامتاع در روزی که قیمت شده است (ب)

نرده (اشل) مقیاس (ه)

نزار آرخ (نام محل)

نژاد (گ) Race

نژاد شناسی علمی است که احوال ملل مختلف را شرح میدهد Ethnographie

نسنجیده علی‌العمیا (علی‌العمی)

نشانی ۱ ـ علامت ۲ ـ علامت مخصوص که بر روی گذر نامه‌ها یا شناسنامه ها گذارده میشود

نشانیها قرائن و امارات

نشدنی غیر ممکن‌الوقوع

نشست فرونشستن وفرو رفتن زمین یا کوهستان (ز) Affaissement

نگارش انطباعات

نگاره شکل (ف) Figure

نگاهبانی کشیك

نگهبان کشیکچی

نما (اکسپزان) (ح)

نمایندگان شهر وکلای انجمن بلدی

نمایندگی (آژانس) Agence

نماینده کسیکه ازطرف بانکی در شهر های دیگر کارهای بانك مرکز را انجام میدهد Agent (ب)

نم سنج میزان‌الرطوبه (ف)

نمك ملح

نمودار (گرافیك) Graphique

نمونه Spécimen

نو آمده جدیدالورود

نوارچسب (باندرل)

نوان خانه جائی است که ازطرف شهرداری ناتوانان را در آن نگاهداری میکنند ـ دارالعجزه

نوبنیاد جدیدالاحداث

نوبنیان "

نوِدز احمد آباد (نام ایستگاه)

نورسیده جدیدالورود

نوساز ـ نوساخت جدیدالبنا

نوسنگی عصر حجر جدید (ز) Néolithique

نوش مادهٔ شیرینی که در پای گلبرگ‌ها است (گ) Nectare

نوش‌آور گلبرگی که دارای نوش است (گ) Nectarifère

نوشابه آب گوارا وآب حیات

نوشت افزار لوازم التحریر

نوش‌جای جایگاه مادهٔ شیرین گل (گ) Nectaire

نوکار (اکسترن) (پ) Externe

نوک‌دل رأس القلب (پ)

نوکردن تجدید کردن

نهان دانگان مستورالبذور (گ)

نهانزا مخفی‌التناسل ـ گمزاد ـ مخفی‌الزهر (گ)

نهانزادان آوندی مخفی‌التناسل وعائی (گ)

نیام غلاف برگ یا گل (گ) Gaine

نیام ماهیچه غلاف عضلانی (پ)

نیرو قوه (ف)

نیروسنج میزان‌القوه (ف)

نیروی دریائی تمام وسیله هائی که دولتی برای جنگ دریائی دارد

نیستان قامیشله (نام محل)

نیمساز منصف‌الزاویه (ه)

و

وابسته	(آتاشه)	Attaché
وات‌سنج	(وات متر)	(ف)
واخواست	اعتراض (پروتست)	
واخواستن	اعتراض و (پروتست) کردن	
واخواهی	عمل واخواستن	
وارسی	رسیدگی کردن بکاری ـ ممیزی (کنترل)	
واروك	برجستگی روی پوست (ط)	Verrue
وارون	معکوس	(ه)
واریختن	تصفیه کردن ـ رسیدگی بحساب برای تعیین کردن مقدار وام یا طلب	
واریز	عمل واریختن	
وازدن	رد	(د)
وازنش	دفع ـ پس‌زدن	(ف)

واژه	لغت	
واکنش	عکس‌العمل ـ انفعال	(ف)
واگذارنده	کسی که چیزی را میفروشد و بدیگری میدهد	(ب)
واگرائی	تباعد	(ف)
وام	قرض	Dette
وام فرسائی	استهلاك دین	
وَرسك	عباس آباد	(نام ایستگاه)
ورشکست	تاجری که بواسطه اشتباهات نتواند وام خودرا بدهد	(ب)
ورشکستگی	وضع تاجر ورشکست	
وزارت بازرگانی	وزارت تجارت	
وزارت پیشه وهنر	« صناعت	
وزارت دادگستری	« عدلیه	
وزارت دارائی	« مالیه	
وزارت راه	« طرق	

وزارت فرهنگ	وزارت معارف	
وزارت کشور	« داخله	
وُشمگیر	پیشیك محله	(نام محل)
وضع	حالت بدهی یادارائی تجارتخانه یاشرکتی از حیث اسناد تجارتی وارزها	
وقت حاجة	عندالحاجة	
ولت سنج	(ولت متر)	(ف)
ویژه	(تلگرام لوکس) مخصوص مواقع شادمانی	

ه

هاگ جزئی از موجودات است که از آنها جدا شده و روئیده و تخم بر روی آن پدید میآید (گ) Spore

هاگ‌چه هاگ کوچك (گ) Sporule

هاگ‌دار دارای هاگ (گ) Sporulé

هاگ فشانی پراکندن هاگ (گ) Sporulation

هاگ گذاری (گ) Sporisation

هامن سطح مستوی (ه) un plan

هامون بیابان صاف و مسطح (ز) Plaine

هرزمان بشود ـ هرگاه بشود عندالامکان

هرزند هلاکو (نام ایستگاه)

هزاره الف (ح)

هزارگان الوف (ح)

هزینه مخارج

هستی وجود (ف) Existence

هم آواز متفق‌القول ـ متفق‌الکلام

هم‌ارز دوچیز که ارزش آنها برابر یکدیگر باشد Equivalent

هم‌ارزی برابری‌ارزش دوچیز Equivalence

همانجا فی‌المجلس

هماندم فی‌الفور ـ علی‌الفور

همانند شبیه (ه)

همچشمی رقابت

همچند معادل (ح) Équivalent

همچندی معادله (ح) Équation

همداستان ـ همرأی متفق‌الرأی

همرس متقارب (ه) Concourant

همزبان متفق‌القول ـ متفق‌الکلام

همزیستی عمل شریك شدن دو گیاه برای زندگی (ط) Symbiose

هم سخن متفق‌القول ـ متفق‌الکلام

همگرائی تقارب (ف) Convergence

همینکه آمد ـ همینکه رسید لدی‌الورود

هنجار وضع واندازهٔ معین (ه) Norme

هنر پیشگان ارباب صنایع ظریفه Artiste

هنرسرای عالی دانشکدهٔ صنعتی

هنگام حاجت ـ هنگام نیاز عندالحاجة

هواپیما طیاره

هویزه حویزه (نام محل)

ی

یاخته	سلول	
یاد	حافظه	
یادآوری	تذکاریه	Rappel
یادداشت پرداخت	(ب)	Note de débit
یادداشت دریافت	(ب)	Note de crédit
یارگل	یورقل (نام محل)	
یاریگاه	پست امدادی	
یاور	پایورشهربانی ـ نظیر سرگردارتش	
یکان	آحاد	(ح)
یکدل ـ یکزبان	متفق‌القول ـ متفق‌الکلام	
یکه	واحد	(ح)
یکی کردن	(ب)	Unifier

قسمت دوم:

لغات قدیم - واژه‌های نو

آ

Aéronavigation ناوبری هوائی

آب گورا و آب حیات نوشابه

آب گیر کوچك که آب در آن بماند کولاب (ز) Mare

Abyssal مغاکی (مربوط بقسمتهای گود دریا) (ز)

Attaché وابسته

آجی چای تلخه رود

آحاد یکان (ح)

آخر الامر سرانجام ـ آخرکار ـ بآخر

Arthropodes بندپائیان (گروهی از جانوران که پای آنها بند بند است) (ط)

آرخ نزار (نام محل)

آزمایش نسج زنده بافت برداری (پ)

Age روزگار (ز)

Agent نماینده (کسیکه از طرف بانکی در شهر های دیگر کارهای بانك مرکز را انجام میدهد) (ب)

Agent de police پاسبان

Agence نمایندگی

آژانس اخبار خبر گزاری

Aseptique پاك (پ)

Asepsie پاکی (پ)

Assise بن لاد (ز)

آق تپه سفید تپه (نام محل)

آق گنبد سفید گنبد (نام یکی از بندرهای دریاچهٔ رضائیه است)

Accord سازش (اصطلاح وزارت امورخارجه)

Accélération شتاب (ف)

آلت تأنیث در گل مادگی (گ)

آلت تعیین جهت و امتداد حرکت در هواپیما	شهپر		Aileron
آلطون سفلی	زرینهٔ پائین	(نام محل)	
آلطون علیا	زرینهٔ بالا		
Algue	جُلبك	(گ)	
آلگو	آلـگون	(نام محل)	
آلودن جسمی بمایعی	آغشتن	(ف)	Imprégner
آماده شدن برای کاری	بسیج		
آمپر متر	آمپرسنج	(ف)	
آموزگاری - آموختن	آموزش		
آمیختن نر و ماده	گشنیدن	(ط)	Féconder
آنچه بازرگان از دیگری میگیرد و بحساب خود میبرد	دریافتی		
آنچه بسرباز از لباس و وسائل و آلات دیگر داده میشود	ساز و برگ		
Enkystement	کیسه بندی	(پ)	
Enveloppe	پوش	(گ)	

ا

اباعن جد	پدربرپدر ـ پشت در پشت		
ابتدا	آغاز		
ابتلاء	دچاری	(پ)	
ابرام کردن	استوار کردن	(د)	
ابراهیم آباد	مشك‌آباد	(نام ایستگاه)	
ابوالمؤمن	پارسا	(نام محل)	
Eperon	مهمیز (دنباله‌ای که در پـای یکی از گلبرگها دیده میشود)	(گ)	
Epi	سنبله	(گ)	
Etang	تالاب (جائی که در آن آب شیرین میایستد)	(ز)	
Autophage	خودخوار		
Automatique	خودکار (دستگاه و آلتی که بخودی خود کار میکند)	(ف)	

Ethnographie	نژاد شناسی (علمی است که احوال ملل مختلف را شرح میدهد)		
اتیکت	برچسب (علائم ملصقه باشیاء)		
اتیکت	آئین		
اثر انگشت آلوده بمرکب بر روی کاغذ	مهر انگشت		
اجازه و اذن	پروانه		
اجرت - حق الزحمه	دستمزد		
احتماء	پرهیز	(پ)	
احجار ساقطه	خشخانه	(ز)	
احراق	سوزآوری	(ف)	Causticité
احشاء	اندرونه	(پ)	
احصائیه و احصاء	آمار		
احضار مأمور	فرا خواندن		
احمد آباد	نودز	(نام ایستگاه)	
اختلاط و امتزاج	آمیزه		

اختلاف دارائی و بدهی در حساب	تراز	(ب)	Balance
اختلاف مابین بهای واقعی پول و قیمتی که در بازار خرید و فروش میشود	صرف		(ب)
اخطار قبلی	پیش آگهی		(ب)
ادارهٔ احصائیه و سجل احوال	آمار و ثبت احوال		
« استخدام و پرسنل	کار گزینی		
« پلیس	سرکلانتری		
« تأمینات	آگاهی		
« گارد سرحدی	مرزداری		
« محاسبات	حسابداری		
ادریس آباد	شازند	(نام ایستگاه)	
ادویه شناسی	دارو شناسی		
اذین	گوشك (گوشهٔ کوچك)		(پ)
ارباب صنایع ظریفه	هنر پیشگان		Artistes
ارتفاع	بالا - بلندی		

ارتفاع نقطه‌ای ازسطحی بُرز (ه) Côte

Ordre راسته (گ)

ارزاق خواربار

Orogénique کوه‌زا (ز)

Orogénèse کوه‌زائی (ز) (حرکات پوستهٔ زمین که موجب پیدایش کوهها میشود)

ازته نشست آب‌ساخته میشود لای (ز)

از جنس چوب چوبی (گ) Ligneux

اسبابیکه‌زیر کشتیهای دشمن گذارده میشود تا انفجار آن‌موجب خرابی‌وشکستن کشتی شود مین

اسبهائی که‌جایزهٔدوم‌وسوم وچهارم را میبرند پی‌بر (اسب دوانی)

اسبیکه جایزه نخستین را میبرد پیش بر (اسب دوانی)

Spore هاگ (جزئی از موجودات است که‌از آنها جدا شده و روئیده و تخم بر روی آن پدید میآید) (گ)

Sporisation هاگ گذاری (گ)

Espéce گونه (ط)

Spécimen نمونه

(استارت) تك آغاز (محلی که اسبها دویدن را ازآنجا شروع میکنند)

(استارتر) آغازگر (کسیکه در اسب دوانی فرمان دویدن را میدهد)

(استاژ) کار آموزی

(استاژیر) کار آموز

(استامپ) مهر

(استپ) کلاك (ز) Steppe

استشهاد گواه خواهی (د)

استشهاد کردن گواه خواستن (د)

استنطاق بازپرسی (د)

استوار دو (در نیروی دریائی) ناو استواردو

استوار یك « ناو استوار یك

استهلاك دین وام فرسائی

Style خامه (رشتهٔ باریکی که دربالای تخمدان گیاه است) (گ)

اسعار ارز

اسقاط شدن فرسودگی

(اسکادر) بخش (نیروی دریائی)

اسماعیل زائی شه بخش (نام طایفه‌ایست درمکران)

اشتعال افروزش (ف) Allumage

اشرف بهشر (نام محل)

اشل پایه

اشل ـ مقیاس نرده (م)

اصطکاك مالش (ف) Frottement

اصلی بنیادی (ف) Fondamental

اصم ءگنگ (ح)

اصناف و کسبه پیشه‌وران

اصول تداوی درمان شناسی (پ)

اصول محاکمات آئین دادرسی (د)

اطفائیه آتش نشانی

اعتبار غیر قابل فسخ بی برگشت (ب)

اعتبار نامه سیاسی استوار نامه

اعتبار متحرك تن‌خواه گردان

اعتباریك سند یامتاع ارزش

اعتراض و پروتست واخواست

اعتراض وپروتست کردن واخواستن

اعتمادیکه ازطرف بانك یا شخص بشخص دیگری میشود اعتبار (ب)

اعشاری دَهدهی (ح)

اعلان آگهی

Oeuf تخم (ط)

افراد گارد سرحدی مرزدار

افقی ترازی (ف)

اقتراح بررسی Révision

اکابر سالمندان

Exéquatur روانامه

(اکسپزان) نما

(اکسترن) نوکار (پ) Externe

امتحان آزمون

Eclairement روشنائی (ف)

الغرض باری ـ آخر

اَلف هزاره (ح)

الوف هزارگان (ح)

الهیار خدایار (نام محل)

ام‌الشرائین آورتا (پ) Aorte

امامزاده جعفر پیشوا (نام ایستگاه)

Embryologie رویان شناسی (پ)

Embryon رویان (پ)

امتحان آزمون

امتداد ـ جهت راستا (ف)

امچه‌لی بناور (نام محل)

امراض اطفال بیماریهای کودکان

« انفرادی « پراکنده

« خارجی « بیرونی

« داخلی « درونی

« دماغی « مغز

« روحی « روان

« ساریه « واگیر

« عصبی « پی

« گوش وحلق وبینی « گوش وگلو وبینی

« مجاری بول « میزه راه

« محلی « بومی

« مناطق حارّه « گرمسیر

« نسوان « زنانه

« وبائی « همه گیر Maladies épidemiques -

امراض‌وبائی	بیماری جهانگیر	Maladies - pandemiques	
امیرالبحر دوم	دریابان	(نیروی دریائی)	
امیرالبحر سوم	دریادار	"	
امیرالبحر یکم	دریا سالار	"	
انتخاب	برگزیدن		
	کارورز	Interne	(پ)
انتقال	برگردانیدن		
انجمن بلدی	انجمن شهرداری		
انحراف	کجراهی		(ف)
انحلال	برچیدگی		
انحناء	خمیدگی		(م)
(اندکس - رپرتوار)	فهرست		
انطباعات	نگارش		
انعکاس	بازتاب	Reflexion	(ف)
انفعال	واکنش		(ف)

(انفیرمری)	پرستار خانه		
انکسار	شکست	Refraction	(ف)
	تخمدان	Ovaire	(ط) (پ)
	میزه شناس	Urologue	(پ)
اوزان و مقیاسها و نرخ	سنگ و اندازه و نرخ		
	ءگش	Humeur	(ط)
	یکی کردن	Unifier	(ب)
	تخمک	Ovule	(پ)
	تخمگذار (جانورانی که تخم میگذارند)	Ovipare	(ج)
اهل خبره	کار شناس		(د)
ایاغ چی	پادار		(نام محل)
ایچی	ایشه (نام محل ودر فارسی بمعنی جنگل است)		
ایلو	آلا		(نام محل)

ب

Bataille نبرد (محاربه وجدال میان دوسپاه)

باج قپان قپانداری

باحسن‌وجوه ـ باحسن‌شقوق بهترین‌راه ـ بهترین صورت ـ بهترین روی ـ بهترین روش

بارآوری باردهی (گ)

بارزالتناسل پیدازا (گ)

بازدید ـ (کنترل) بازدید

بازکردن و آغاز نمودن حساب بازگرد (ب)

بازگشت دادن اضافه پرداختی از بابت سرمایه بازگردانیدن (ب)

Bassin de reception آبگیر

باشبولاق سرچشمه (نام محل)

باشماق باشه (نام محل و در فارسی بمعنی مرغ شکاریست)

باصره بینائی

(باکتری) باکتری

بالاخره باری ـ آخر

بالضروره ناچار ـ ناگزیر

(باندرول) نوار چسب

(بانك) بانك ـ بنگاه صرافی ومعاملات نقدی

بانگلو بانگی (نام محل)

بحر پیما دریا نورد

بحری دریائی

بحریان دریائیان

بدن تنه (م) Tronc

بدهی بدهی

برابری ارزش دوچیز هم‌ارزی Equivalence

برات برات (ب)

برجستگی روی پوست واروك (ط) Verrue

برداشتن پولی ازحساب‌یك نفر ونهادن آن در حساب دیگری برگردان (ب)

برگرداندن اضافه‌پولی که شرکاء از بابت سرمایه به شرکت پرداخته‌اند بازگشت (ب) Ristourne

برگ کوچك برگچه (گ) Foliole

برگ کوچکی که درپای ساقهٔ گل است برگه (گ) Bractée

برگهای رنگین گلها گلبرگ (گ) Pétale

بسته (لفافه ایکه نامه را در آن میگذارند) پاکت

بشیوسقه پنج پیکر (نام محل)

بطریق وروش‌معین بهنجار (م) Normale

بطن شکمه (پ)

بطی‌الانتقال دیرفهم ـ کندفهم ـ دیریاب ـ کم هوش کودن

بُعد دوری (ه)

بکار انداختن سرمایه براه انداختن (ب)

Béquille سیخك (مخصوص هواپیمائی)

بلد شهر

بلدیه شهرداری

بلندی طاق خیز (در ساختمان) (ه)

بلوك دهستان

(بمب) بمب

(بمباردمان) بمباران

بندر آق گنبد بندر سفید گنبد

بندر جز بندرگز

بنگاههائی که معاملات اشخاص را بعهده میگیرد کارگزاری

Boue گل (از آمیختن خاك و آب ساخته میشود) (ز)

Bourrelet آگنه (گ)

(بورو) دفتر

بول پیشاب (پ)

بیابان صاف و مسطح هامون (ز) Plaine

Bibliothèque کتابخانه

بیجام وعدیم الطاس بی گلبرگان (گ)

بیرون آوردن چیزیکه بگرو داده شده است از گرو در آوردن

بیشترین مقدار ممکن بیشینه Maximum

بیضرر بی آزار (ز) Inoffensif

بیطار دام پزشك

بیعانه پیش بها (ب)

بیقاعده و برخلاف طریقهٔ معین ناهنجار (ف) Anormale

بیلان (صورت درآمد و هزینه) ترازنامه (ب)

بیمه بیمه (ب)

پ

Patrouille گشتی (دسته‌ای ازنگهبانان که بایدمسافت معینی را نگهبانی کنند)

(پارکه) دادسرا (د)

(پاساژ) تیمچه

Paléontologie دیرین شناسی (ز)

پایور شهربانی نظیر سرگرد ارتش یاور

پر از مدفوع پیخال (پ)

پراکندن هاگ هاگ فشانی (گ) sporulation

پراکنده شدن گرده گل گرد افشانی (گ) Pollini - sation

Protistes آغازیان (ط)

Personnel کارکنان (نام کسانیکه دروزارتخانه بکار مشغولند)

Prophyroïde سماك نما (ز)

Préfeuille پیش برگ (گ)

(پروگرام) برنامه

Pronostic پیش بینی (پ)

پرهای بزرگ مرغان شهپر

پر یاپشم بسیار نرم کرك (ط) Duvet

Période دوره (ز)

پست امدادی تیمارگاه ـ یاریگاه

پست‌صحی‌امدادی‌مدارس شفا خانه

پس کوچه هائی که درو ندارد بن بست

Plante گیاه (گ)

(پلن) گرده (گ) Pollen

Pli چین (ط)

Pli - en - eventail چین باد بزنی (ز)

Pli - droit چین راست (ز)

Pli - dejété چین افکنده (ز)

Pli - deversé چین واریخته (ز)

Pli - renversé چین برگشته (ز)

Plissement چین خوردگی (ز)

پلیس مخفی کار آگاه .

Pli - Faille چین گسیخته (ز)

Pli -couché چین خوابیده (ز)

Pince گیره (چنگال دوشاخه‌ایکه در دهان جانوران است) (ج)

پوزه زفر (پ) Guele

پوستهٔ نازك شامه (ط) (پ) Membrane

پول پول

پول سیاه (نیکل ومس و غیره) پشیز

پول یاچیزیکه پرداخت آن بدیگری واگذار شده است حواله کرد

Pyromètre آذر سنج (ف)

پیشیك محله وشمگیر (نام محل)

پیوسته جام و متصل الطاس پیوسته گلبرگان (گ)

ت

ت

(تآتر)	تماشا خانه	
تأخیر	دیر کرد	Retard
تأدیه ودادن پول بکسیکه طلبکار است	پرداخت	
تأمین وسائل عبور ومرور وسائط نقلیه	راهنمائی ورانندگی	
تأیید کردن	استوار کردن	(د)
تاجریکه بواسطهٔ اشتباهات نتواند وام خودرا بدهد	ورشکست	(ب)
Thallophytes	ریسه داران	(گ)
تباعد	واگرائی	(ف)
تبریك	شاد باش	
تپه سیف	تپه سفید	(نام محل و ایستگاه)
تجارت	بازرگانی	

تجدید کردن	نو کردن	
تجربه	آزمایش	
تجسس	پژوهش	(ف)
تحتانی	زیرین	(پ)
تحت البحری	زیر دریائی	
تحقیق	رسیدگی ـ بازجوئی	
تحقیقات و بررسیها و تجسات علمی	پژوهش	
تذکاریه	یاد آوری	Rappel
تذکره (پاسپورت)	گذر نامه	
ترابی	ئرستی	(ز)
تراك سنگ	شکاف	(ز) Fente
تراکهای زمین	جر	(ز)
تربیت	پرورش	
(ئترپیل)	اژدر	

(ترپیل) انداز	اژدر افکن		
ترك	تراك	(ز)	
	Train d' atterissage ارابه		
تساوی	برابری	(ح)	
تشریح	کالبد شناسی	(پ)	
تشریح عملی	کالبد شکافی	(پ)	
تشریفات	آئین		
تشکیلات	سازمان		
تشویه شده	برشته	(ف)	Grillé
تصاعد	فرایازی	(ح)	
تصدیق نامه	گواهی نامه		
تصدیق مدارس عالیه	دانشنامه		
تصفیه	پالایش	(ط)	Filtration
تصفیه کردن	پالودن	(ط)	Filtrer
تصفیه کردن حساب	واریختن	(ب)	

تعاون بلدی	دستگیری (اداره‌ایست درشهرداری)		
تعلیم و تربیت	آموزش وپرورش		
تعهد نامه	پیمان نامه		
تغذی	خورد	(پ)	Mutrition
تفاضل	مانده		(ح)
تفاوت جمع در یافت و پرداختی یك تجارتخانه	مانده	(ب)	Solde
تفتیش	بازرسی		
تفریق	کاهش		(ح)
تقارب	همگرائی	(ف)	Convergence
تقاطع	برخورد	(ه)	Rencontre
تقاعد	باز نشستگی		
تقدم بحفظ صیانت	پیش گیری		(پ)
تقسیم	بخش	(ح)	Division
تقسیم کردن	بخش کردن		(ح)
تقنینیه	قانون گذاری		

تقویم برآورد ـ ارزیابی

تقویم نمودن برآورد کردن

تکاپ بخش ششتمد (نام محل)

تکانلو تیکان (نام محل)

تکمه کلاله (گ) Sigmate

تك‌یاخته‌هائیکه‌دارای‌ریشه‌های بسیارند ریشه پائیان (ط) Rhizopodes

(تلقیح واکسن) مایه کوبی (پ)

(تلگراف دیفره) دیرفرست

(تلگرام لوکس) ویژه
(مخصوص مواقع شادمانی)

تله‌زنج تله زنگ (نام محل وایستگاه)

تمام‌وسیله‌هائی که دولتی برای جنگ دریائی دارد نیروی دریائی

(تمبر) تمبر

تنفیذ کردن استوار کردن (د)

توقف درماندگی (حال تاجریکه نمیتواند وام خودرا بپردازد)

توقیف بازداشت (د)

توقیف شخص دستگیر کردن (د) Arrestation

توقیف‌گاه بازداشت‌گاه (د)

توقیفی‌و‌توقیف‌شده بازداشته (د)

Toxine زهرآبه (پ)

تهاتر پایاپای

ته نشست آب رودخانه آبرفت (ز) Alluvion

تیپ تیپ

تیکان تپه تکاب (نام محل)

ث

ثخن ستبرا (ه) Epaisseur

ثقل گرانی (ف)

ج

جاغرلو	جاغر	(نام محل)	
جانبی	پهلوئی	(ه)	Latéral
جانورانیکه بچه میزایند	بچه‌زا	(ج)	Vivipare
جانورانیکه‌دارای‌پنجه‌اند	پنجه داران	(ج)	Onguiculés
جانورانیکه‌دارای‌سم‌هستند	سمداران	(ج)	Ongulés
جای‌قرار دادن برگه‌ها	برگه دان		
جدیدالاحداث	نوبنیان ـ نوبنیاد ـ تازه بنیاد		
جدیدالبنأ	تازه ساز ـ نوساز ـ نوساخت		
جدیدالورود	نوآمده ـ نورسیده ـ تازه‌رسیده ـ تازه‌وارد		
جذب	ربایش		(ف)
جذر	ریشه		(ح)

جُرم	بزه	(د)	
جِرم	غُند	(ف)	Masse
جریان	گردش		Circulation
جزائی	کیفری	(د)	
جسد	لاشه	(پ)	
جغتوچای	زرینه رود		
جمجمه	کاسهٔ سر	(پ)	
جمع	افزایش		
جمع کردن	افزودن		
جواز در اصطلاح پزشکی	دستور		
جوانه و نطفه	تَنده	(ط)	Germe
جوانه زدن	تَندیدن	(ط)	Germer
جهاز	دستگاه	(پ)	
جهازات جنگی	ناوگان		Flotte
جهاز محرکه	دستگاه جنبش	(پ)	

جهاز نامیه	دستگاه رویش	(پ)	
			Appareil végétatif
جهت	سو	(ف)	

چ

چاپار	پیك	
چك	چك	(ب)
چك خط كشیده	چك بسته	(ب)
چیزیكه ارزش و بهای زیاد دارد	گرانبها	
چیزیكه ممكن است برگشت كند	برگشت پذیر	(ب)
چین خوردگیهای زمین كه بشكل طاق است	تاقدیس	(ز)
چین‌خوردگیهای زمین كه بشكل ناو است	ناودیس	(ز)

ح

حاج علینقی مازیار (نام محل)

حاجی لر دشت مینو (نام محل)

حادثه پیش آمد (ز)

حافظه یاد

حاکم شهرستان فرماندار

حالب میزه‌نای (پ) Urétère

حالت بدهی یادارائی تجار تخانه‌یاشر کتی‌ازحیث اسناد تجارتی وارزها وضع

حامل فیزیکی و مکانیکی بر دار (ف)

حبابچه های ریوی خانه های شش (پ)

حتی‌الامکان تابتوان

حجار سنك تراش

حجر	سنگ	(ز)	
حجم	٭گنج	(ف)	Volume
حجیم	٭گنجا	(ف)	Volumineux
حرکت (در اصطلاح علمی)	جنبش		
حرکت مبطئه	جنبش درنگی	(ف)	
حرکت متشابه	جنبش یکسان	(ف)	
حرکت مسرعه	جنبش شتابی	(ف)	
حسب الامر	بدستور ـ بفرمان ـ بفرمود ـ بفرمایش		
حسب المعمول	بنا بمعمول ـ برحسب معمول		
حسب الوظیفه	برحسب وظیفه ـ بنا بوظیفه ـ ازروی وظیفه		
حسن آباد	سیمین دشت	(نام ایستگاه)	
حسن آباد قاشق	آباد کوشك	(نام محل و ایستگاه)	
حشمت آباد	رودك	(نام ایستگاه)	
حضرت عبدالعظیم	شهر ری		
حفظ الصحه	بهداشت		

حق الزحمه	دست مزد		
حق الشرب	آب بهاء		
حق العمل	کارمزد		
حق القدم	پای مزد		
حق عبور	(ترانزیت)		
حقهٔ گل	کاسه	(گ)	Calice
حکم	داور	(د)	
حکم مشترك	سرداور	(د)	
حکمیت	داوری	(د)	
حمام	گرمابه		
حمل و نقل	بارکشی		
حمیات ثبوری	تبدانه‌ای	(ب)	
حنجره	خشك نای	(ب)	
حوضچه	لگنچه	(پ)	
حویزه	هویزه	(نام محل)	

حی	زنده	(پ)
حیات	زندگانی	(پ)
حیات خفی	زندگانی نهانی (ط)	Vie la tente
حیوانات بطنی رجلی	شکم‌پایان (ج)	Gastropodes

خ

خ

خارج قسمت	بهر	(ح)	
خارجی	بیرونی		
خالی	تهی	(بمعنی وصفی)	(ف)
خباز	نانوا		
خباز خانه	نانوا خانه		
خبرویت	کار شناسی		(د)
خدیجه	خدیش	(نام محل)	
خرید وفروش سندهای تجارتی	سَفته بازی		(ب)
خزانه	خزانه		
خزعلیه (درخوزستان)	خرم کوشك		
خزعل آباد	خسرو آباد	(نام محل)	

خطهائی درروی سنگها که چون ضربه‌ای بسنگ رسد ازآن خطها میشکند	رخ		
خطیکه اسبهای دونده برروی آن میدوند	تاختگاه		
خفاجیه	سوسن گرد	(نام محل)	
خمل	پرز	(ح)	Villosité
خواستن چیزی	درخواست		Demande

د

دائرهٔ میاه میرابی

دائن بستانکار

داخلی درونی (پ)

دادن پولی که دریافت شده پرداختن (ب)

دارالانشاء دبیر خانه

دارالایتام پرورشگاه یتیمان

دارالرضاعه شیرخوارگاه

دارالعجزه نوان خانه (جائی است که از طرف شهرداری ناتوانان را در آن نگاهداری میکنند)

دارالمجانین تیمارستان

دارالمساکین مسکین خانه

دارای ارزش ـ دارای اعتبار ارزنده

دارای هاگ	هاگ دار	(گ)	Sporulé
داز	دازه	(نام محل)	
(داکتیلوسکپی)	انگشت نگاری		
دانشکدهٔ صنعتی	هنر سرای عالی		
	سپرده (چیزیکه در جائی گذاشته‌شده)		Dépôt
درجه	زنه	(ف)	Degré
دریچهٔ مکبی	دریچهٔ نای	(پ)	
	گند زدوده	(پ)	Désinfecté
	افگنه	(ز)	Déjection
دستور العمل	دستور ـ دستورکار		
دسته	گروه	(ز)	Groupe
	مفاصا (سندی است که در تاریخ معین پس‌از رسیدگی حساب بعضویکه در آمد هزینه‌ای برعهده او بوده‌داده میشود)		Décharge
دفتر ارسال مراسلات	دفتر رسید		
دفتر اندیکاتور	دفتر نماینده		

دفتریکه خرید و فروش روزانه رادر آن مینویسند	روز نامه	(ب)	
دفتریکه‌سر رسیدسندهارا معین میکند	سر رسید نامه		
دفترکوچك	دفترچه		
دفع ـ پس زدن	وازنش	(ف)	
دفیله	رَژه		
دفیله رفتن	رَژه رفتن		
دوا	دارو	(پ)	
دواخانه	داروخانه	(پ)	
دواساز	دارو ساز	(پ)	
دوافروش	دارو فروش	(پ)	
دو چیزی که ارزش آنها برابر یکدیگر باشد	هم ارز		Equivalent
دوچیز هم ارزش	برابر	(ب)	
دوران	چرخه	(ه)	

دوران دم گردش خون

دورهٔ کمون دورهٔ نهفتگی (پ)
(دوسیه) پرونده

دیزج خلیل دیزه (نام ایستگاه)

دیوان عالی تمیز دیوان دادرسی کشور (د)

ذ

ذ

ذائقه چشائی

ذخایر و مهمات ارتش زراد خانه

ذخیره پس انداز (پولی است که ازصرفه‌جوئی در هزینه پیدا میشود)

ذخیره اندوخته (پولی است که درشرکتهاوبانکها برای احتیاط ذخیره میشود) (ب)

ذواربعة اضلاع چار پر (ه)

ذواربعة الزوایا چار گوشه (ه)

ذوبان گداز

ذوجنبتین دورگ (ط) Hybride

ذو فقار مهره داران (ج) Vertebrés

ذوفلقه تك لپه (گ)

ر

ر

رأس	تارك	(ه)	Sommet
رأس‌القلب	نوك دل		(پ)
رأسی رجلی	پابرسران	(ج)	Céphalopodes
رأی	رای		(د)
رئیس‌الوزراء	نخست وزیر		
رئیس بلدیه	شهردار		
رئیس خزانه	خزانه دار		
رئیس‌سرویس‌دریمارستان	سرپزشك		
رئیس کارگزینی	کارگزین		
رئیس کلانتری	کلانتر		
رئیس مباشرت (متصدی ملزومات)	کارپرداز		

رابطه	بستگی		(ح)
(رادیکال)	ریشگی		(ح)
(رادیوسکپی)	پرتو بینی		(پ)
(رادیوگرافی)	پرتو نگاری		(پ)
(رادیولژی)	پرتوشناسی		(پ)
(رادیولژیست)	پرتو شناس		(پ)
	Race نژاد		(گ)
رانندهٔ کشتی	ناوبر	(نیروی‌دریائی)	
رباط	زرد پی (رشته های زردیست که دو استخوان را بیکدیگر متصل میکند)		
رباط کریم	شهریار	(نام ایستگاه)	
رباط گوزلك	دیدگاه	(نام محل)	
ربح	بهره		
ربح مرکب	بهرهٔ مرکب		(ح)
(رپرتوار)	فهرست		
رجل‌سیاسی	مرد سیاسی		

رَحم	زهدان		
رحیم آباد	پرندك	(نام ایستگاه)	
رد	وازدن		(د)
(رژیم) بیماری	دستور خوراك بیمار		
(رژیم) غذائی	دستور خوراك		
رسالهٔ دکتری	پایان نامه		
رستنی‌هائی که بر روی چوب میرویند	چوب رُست		(گ)
رُسوب	ته نشست		(ز)
رُسوبی	ته نشسته		(ز)
رسیدگی بدایت	رسیدگی نخستین		(د)
رسیدگی تمیزی	رسیدگی فرجامی ـ فرجام		(د)
رسیدگی کردن بحساب برای تعیین کردن مقدار وام یا طلب	واریختن		
رسیدگی کردن بکاری	وارسی		
ممیزی (کنترل)			

رشتهٔ باریك زیر پرچم در گلها	میله	(گ)	Filet
رشتهٔ دراز و باریك	تاژك	(ط)	Fragelle
رضایت	خشنودی		
رفتار وطرز	روش		
رقابت	همچشمی		
رقم	پیکر		
Remise	داده (پول یاسندیکه بیانك داده میشود تا بحساب پرداختی ببرند)		(پ)
Rein	گُرده		(پ)
Roulant	غلتان (چیزیکه می غلتد)		(ف)
Roulette	غلته (لولهٔ کوچکی که می‌غلتد)		(ف)
Roulement	غلت (گردش جسم در روی جسم دیگر)		(ف)
Rouleau	غلتك (لوله‌ایکه می غلتد)		(ف)
Rouler	غلتیدن (گردیدن جسم بر روی جسم دیگر)		(ف)

روی کاغذ که مقابل آنرا ظهر گویند	رو		
روی‌هم خراب شدن	رُمبیدن	(ز)	Effondrer
ریگ ریز	شن	(ز)	Gravier
ریم	چرك		

ز

زاویه	گوشه	(ه)
زاویهٔ حاده	گوشهٔ تند	(ه)
زاویهٔ منفرجه	گوشهٔ باز	(ه)
زجاجی	شیشه‌ای	(ز)
زراعت برای پرورش میکرب	کشت	(پ)
زراقه	آبدزدك	(پ)
زرق	سوزن زدن	(پ) Piqûre
زفیر	بازدم	
زنگی محله	زنگیان	(نام محل)
زوج	جفت	(ف)
زیارت	زیار	(نام محل در گرگان)

ژ

ژ

Genre جنس (در اصطلاح علمی)

(ژ کی کلوب) کانون سوارکاران

(ژنرال کنسول) سر(کنسول)

Geysser آب فشان (ز)

Gicleur سوخت پاش

س

سؤال نامه	پرسش نما		
سائیده شدن زمین	فرسودن	(ز)	Eroder
سابقه	پیشینه		
سابقهٔ خدمت	دیرینگی		
ساحل	کناره (عمومی)	(ز)	Rivage
ساحل دریا	کرانه (دریا)	(ز)	Littoral
ساحل رود	کنار	(ز)	Rive
ساخلو	پادگان		
ساعد	ارش		
سامعه	شنوائی		
(ساناتوریوم)	آسایشگاه		Sanatorium
S'enkyster	کیسه بستن	(پ)	
ساوجبلاغ مکری	مهاباد	(نام محل)	

Sepale	کاس برگ		(گ)
سپرده‌ایکه برای‌اعتباردر بانك میگذارند	پشتوانه		
ستوان دو بحری	ناوبان دو		
ستوان سه «	« سه		
ستوان یك «	« یك		
ستون فقرات	تیره پشت		
سجل	نام و نشان		
سراشیبی بسیارتندکوه	کُنده		(ز)
سربازی‌که درخدمت دریائی است	ناوی		
سرتیپ درشهربانی	سرپاس		
سرجوخهٔ بحری	سرناوی		
سرعت	تندی		
سرگرد بحری	ناخدا سه		
(سرمونی)	آئین		

سر میراب	سرآب یار	
سروان بحری	ناو سروان	
سروی کوچك	سرونك (ج)	Antennule
سرهنگ در شهربانی	پاسیار یك	
سرهنگ بحری	ناخدایك	
سرهنگ دو بحری	ناخدادو	
سریع الانتقال	تند فهم ـ زودفهم ـ تندهوش ـ تندیاب زودیاب ـ تیزهوش	
سریع العمل	تندکار ـ چالاك	
سطح	رویه (ه)	
سطح مستوی	هامن (ه)	Un plan
سفید چشمه	فوزیه (محل اتصال خط آهن شمال و جنوب)	
	دبیر (کارمند سفارتخانه که مانند وزیر مختار دارای مصونیت سیاسی است)	Secretaire
	دسته (نیروی دریائی)	Section
سکون	آرامش (ف)	

سلاخ	سرلاد (نام محل)	
سلاخ	پوست کن	
سلطان آباد عراق	اراك (نام محل و ایستگاه)	
سلطان شهربانی	سر بهر	
	پلیدی (پ)	Selle- Fecès
	برگزینی (ط)	Sélection
(سلول)	یاخته	
سلیمان کندی	سلمان کند (نام محل)	
سم	زهر (پ)	
سماق لو	سماق ده (نام محل)	
	همزیستی (عمل شریك شدن دو گیاه برای زندگی) (ط)	Symbiose
سم شناسی	زهر شناسی (پ)	
سنجاق کوچکی که در سوراخهای سر پیچها قرار میدهند	سنجاقك	

سندبار کشتی که درجنوب آنرا ستمی میگویند بار نامهٔ کشتی

سند ظهر نویسی شده پشت نویس

سنگ چخماق آتش زنه

سنگ سماق سماك (ز)

سنگی که‌برای ترازمندی درترازو مینهند پارسنگ

سنهٔ ماضیه سال گذشته

سنوات‌ماضیه سالهای گذشته

Seve - élaborée شیرهٔ پرورده (گ)

Seve - brute شیرهٔ خام (گ)

Souche سویه (در میکربها) (پ)

Souillé آلوده (پ)

Souillure آلودگی (پ)

Souiller آلودن (پ)

سه ضلعی سه بر (ه)

سهل العبور خوب ـ آسان رو

سهل الوصول آسان‌رس ـ آسان یاب

سهم تیر (در هواپیمائی) (ه) Flêche

سیاح جهان گرد

سیاحت جهان گردی

سیاه دهن تاکستان (نام محل)

Siliceuse سیلیسی (ز)

Ciliés مژك داران (تك یاخته هائی‌که دارای چند مژه میباشند) (ط)

ش

شاخ سرو (ج) Antenne des insectes

(شارژدافر) کاردار

شامه بویائی (پ)

شاهد گواه (د)

شبیه همانند (ه)

شرح و تفسیر چیزی گفتن و اداء کردن سخن گزارش Rapport

شرکتی که بنام هیچیك از شرکاء نامیده نمیشود و فقط بنام تجارت آنها خوانده میشود بینام (ب)

شریان سرخ رگ (پ)

شعبه شاخه (گ)

شعبهٔ قصبة الریه نایژه (پ) Branche

شعر	مو	(ط)	Poil
شعریه	موئین	(ط)	Capillaire
شغل	کار		
شفاهی	زبانی		
شکل	نگاره	(ف)	Figure
(شمیز)	پوشه		
شن بسیار نرم	ماسه	(ز)	Sable
شن درشت	ریگ	(ز)	Caillou
شهادت	گواهی	(د)	
شهادت نامه	گواهی نامه		

ص

صاحب منصب ارتش افسر

صاحب منصب شهربانی و کشوری پایور

صادر (صادره درجائی که بمعنی فرستادن باشد مانند مال‌التجارهٔ صادره فرستاده ومراسلهٔ صادره)

صاعد بالارو (پ) (بالارو بجای آسانسور نیز پذیرفته شده است)

صافی پالایه (ط) Filtre

صالح آباد اندیمشك (نام محل وایستگاه)

صاین قلعه شاهین‌دژ (جنوب دریاچهٔ رضائیه)

صحرائی که در آن هیچ نروید بیابان (ز) Desert

صحرائی که ماسهٔ نرم دارد ماسه زار (ز) Sablière

صحیح درست (عددیکه خرده ندارد) (ح)

صحیح البنیه تن‌درست ـ سالم

صحیح العمل درست‌کار ـ راست‌کار ـ درست کردار

صحیح المزاج تن‌درست ـ سالم

صحیه بهداری

صخره خاره (ز)

صدر سینه

صرف نظر کردن (معافیت) بخشودگی

صعب العبور سخت ـ دشوار ـ دشوار رونده ـ دشخوار

صعب الوصول دشواررس ـ دشواریاب ـ دیریاب

صفت سرمایه‌ای که سودی میدهد بارآور (ب)

صفرا زرداب (پ)

صلح سازش (د)

صناعت ارتش تخشائی ارتش

صندوق بزرگ آهنین گاو صندوق

صنف رسته

صورت جزء حساب ریز حساب

صورت حساب سیاهه

صورت قیمت و ارزش متاع یا صورت مالیاتیکه بمتاع تعلق میگیرد تعرفه

صورت کسر برخه شمار

ض

ضامن (کفیل) پایندان (د)

ضایع شدن فرسودگی

ضباط و نگاهدارنده بایگان

ضبط بایگانی (در مورد اوراق و اسناد)

ضخامت و ثخن ستبرا (ه) Epaisseur

ضد سم پازهر ـ پاد زهر (پ)

ضدعفونی پلشت بری (پ)

ضدعفونی کردن گند زدائی (پ)

ضد عفونی کننده پلشت بر ـ گندزدا (پ)

ضرب بس شماری (ح)

ضرب کردن زدن (ح)

ضرر و نقصان زیان

ضغطه فشار (ف) Pression

ضلع ۱ ـ دنده (پ)
۲ ـ پهلو (ه) Côté

ضیاء روشنی (ف) Clarté

ط

طاطائوچای سیمین رود (نام رود)

طالب آباد بهرام (نام محل)

طالح تاله (نام محل وایستگاه)

طاهر بوغدا گندمان

طایفه و خانواده تیره(درگیاه‌شناسی‌وجانورشناسی) (گ)

طب و طبابت پزشکی (پ)

طب تجربی پزشکی آزمایشی

طبع چاپ

طبقه ۱ ـ آشکوب

۲ ـ رده (گ) Classe

۳ ـ لایه (ز) Couche

طبقهٔ زمین چینه (ز) Strate

طبقه بندی رده بندی (گ)

طبیب	پزشك	
طبیب معاون	پزشك دستیار	
طرفة العین	چشم بهم‌زدن ـ یکدم ـ یك چشم‌زدن ـ یك چشم زد	
طرفین تناسب	دوکرانه	(ح)
طریق	راه	
طریق جای گرفتن گل‌ها بر روی شاخه ها	گل آذین (گ)	Inflorescence
طریقهٔ علاج	درمان	(پ)
طفیلی	انگل	(پ)
طفیلی شدن	انگلی	(پ)
طفیلی شناس	انگل شناس	(پ)
طفیلی شناسی	انگل شناسی	(پ)
طلا	زر	
طناب صوتی	تاراوا	(پ)
طول	درازا (ه)	Longueur

طهران	تهران	(نام محل و ایستگاه)
طیاره	هواپیما	

طبیب	پزشک	
طبیب معاون	پزشک دستیار	
طرفة العین	چشم بهم‌زدن ـ یکدم ـ یک چشم بهم زدن یک چشم زد	
طرفین تناسب	دو کرانه	
طریق	راه	
طریق جای گرفتن گل‌ها بر روی شاخه‌ها	گل آذین (گ)	Inflorescence
طریقهٔ علاج	درمان	
طفیلی	انگل	
طفیلی شدن	انگلی	
طفیلی شناس	انگل شناس	
طفیلی شناسی	انگل شناسی	
طلا	زر	
طناب صوتی	تارآوا	
طول	درازا (•)	Longueur

ظ

ظهر	پشت
ظهر نویسی	پشت نویسی

ع

عاقبت الامر	سرانجام ـ آخرکار	
عالم بکتاب و مطبوعات	کتاب شناس	Bibliographe
عالم بعلم باستان شناسی	باستان شناس	Archéologue
عامل	سازه	(ح)
عایدات	درآمد	
عبادان	آبادان	
عباس آباد	ورسک	(نام ایستگاه)
عدلیه	دادگستری	(د)
عدیم الرأس	بیسران	(ج) Acéphales
عدیم الفلقه	بی لپه	(گ)
عرب اغلو	فرخ زاد	(نام محل)
عرب لنگ	پلنگ‌دژ	«

عرض	پهنا	(ه)	Largeur
عرضحال	دادخواست	(د)	
عرضه	پیش نهاد		
عروق شعریه	موی رگ	(پ)	
عریان البذور	بازدانگان	(گ)	
عزم در اصطلاح (مکانیك)	گشتاور	(ف)	Moment
عشره	دَهه	(ح)	
عشرات	دهگان	(ح)	
عصب	پی		
عصر	دور	(ز)	Epoque
عصر حجر جدید	نوسنگی	(ز)	Néolithique
عصر حجر قدیم	پارینهٔ سنگی	(ز)	Paléolithique
عضله	مایچه	(پ)	
عضو اداره	کارمند		
عضو بدن	اندام		

عظم	استخوان		
عظم قص (استخوان سینه)	جناغ سینه		(پ)
عفو	بخشوده		
عقم	ستر ونی		(پ)
عقیم ـ نازا	سترون		(پ)
عقیم کردن	سترون کردن		(پ)
عقیم کننده	سترون کننده		(پ)
عکس العمل	واکنش		(ف)
علائم ملصقه باشیاء (اتیکت)	برچسب		
علاج شدنی	درمان پذیر		(پ)
علاج نشدنی	بیدرمان		
علامت	نشانی		
علامت مخصوصیکه بر روی گذرنامه‌ها و یا شناسنامه‌ها میگذارند	نشانی		
علم الحرکات	جنبش شناسی		(ف)

علم بآثار عتیقه	باستان شناسی	Archéologie
علم بعادات و رسوم تودهٔ مردم	توده شناسی	Folklore
علم تشریح کار های مادی اقوام و ملل مختلف	مردم شناسی	Anthropologie
علی الخصوص	بخصوص ـ بویژه	
علی الرسم	برسم ـ چنانکه رسم است	
علی الظاهر	بظاهر ـ بر حسب ظاهر ـ بصورت ـ برحسب صورت	
علی العمیا (علی العمی)	کور کورانه ـ نسنجیده ـ ناسنجیده	
علی الفور	دردم ـ بیدرنگ ـ همان دم ـ درزمان	
علی قدر الامکان	چندانکه بتوان ـ چندانکه بشود	
علیهذا	بنابراین ـ از این‌رو	
عمارت عدلیه	کاخ دادگستری	(د)
عمق	ژرفا	(ه) Profondeur
عمل	کنش	(ف) Action

عمل اندازه گرفتن قسمتهای بدن انسانی	تن پیمائی	
عمل برداشتن قسمتی از چیزی یاسرمایه‌ای قبل از اینکه هنگام تقسیم آن رسد	برداشت	(ب)
عمل پاك کردن	رُفت وروب	
عمل ختم کردن حساب در بانك	بستن حساب	(ب)
عمل خراب شدن	رُمبش	(ز) Effondrement
عمل دلال	دلالی	
عمل فرسودن	فرسایش	(ز) Erosion
عمل قراولی ـ موعد قراولی	پاس	
عمل گشتن در پی چیزی	پی گردی	
عمل منظم نگاه داشتن حسابها	حساب داری	
عمل نگاه داشتن و نوشتن دفترهای حساب بموجب قواعد حساب‌داری	دفترداری	

عمل و اخواستن	واخواهی
عمل واریختن	واریز
عملهٔ کشتی	جاشو
عندالامکان	اگربشود ـ هرزمان بشود ـ هرگاه‌بشود
عندالحاجة	هنگام حاجت ـ وقت‌حاجت ـ هنگام‌نیاز
عندالرؤیه	دیداری
عندالضروره	اگر لازم باشد ـ اگر بایستی
عنق رحم	گلوی زهدان (پ)
عنقریب	بزودی ـ بهمین زودی ـ بهمین نزدیکی ـ زود باشد که
عوارض متفرقه	خرده باج
عوض کننده در مورد قراولی	پاس بخش
عهد	دوران (ز)
عهد نامه	پیمان Pacte

ف

غ

غده (غده‌هائی که دارای سلول عصبی میباشند) دژیه (پ)

غشاءالقلب برون شامهٔدل (پ) Péricarde

غشاء جنب شامه شش (پ) Plévre

غشاء درونی قلب درون شامه دل (پ) Indocarde

غلاف برگ یا گل نیام (گ) Gaine

غلاف عضلانی نیام ماهیچه (پ)

غلیان جوش (ف)

غواص آب باز

غیر ذوفقار بیمهرگان Invertebrés

غیر قابل اجراء انجام ناپذیر ـ اجراء ناپذیر

غیر قابل قبول ناپذیرفتنی

غیر قابل قسمت بخش ناپذیر (ح)

غیر مستقیم ناراسته (ه)

غیر ممکن الوقوع نشدنی

ف

فارغ البال آسوده خاطر ـ آسوده دل

فاسدالاخلاق زشت‌خوی ـ بدخوی ـ تبه خوی

فاصلهٔ میان دو بال پرندگان بازه (ف) Envergure

Phagocyte بیگانه خوار (پ)

Phagocytose بیگانه خواری (پ)

فتح میت کالبد گشائی (پ)

Foetus جنین (پ)

فته طلب سفته (ب)

(فرتیل) بارخیز (گ)

فرونشستن و فرورفتن زمین یا کوهستان نشست (ز) Affaissement

فسخ گسیختن (د)

فضولات آخال

فعل کنش (ف) Action

فقره (استخوانهای پشت‌که پی از آنها گذشته) مُهره

فك آرواره (پ) Mâchoire

فکر اندیشه

فلاحت و زراعت کشاورزی

فلاحیه شادگان (نام محل)

فوران جهش (ز) Jaillissement

Fuselage تنه (اصطلاح هواپیمائی)

فوقانی زبرین (پ)

فی‌الفور دردم ـ بیدرنگ ـ همان‌دم ـ در زمان

فی‌المجلس همانجا ـ درجای

(فیش) برگه

Filon رگه (ز)

ق

قائم مقام	جانشین	
قابل اجراء	انجام پذیر ـ اجراء پذیر	
قابل احتراق	سوخت	(ف)
قابل احتراق و سوختنی	سوزا	(ز) Combustible
قابل پرداخت	پرداختنی	(ب)
قابل تجهیز	بسیجی	
قابل قبول (چیزیکه میتوان آنرا پذیرفت)	پذیرفتنی	(ب)
قابل قسمت	بخش پذیر	(ح)
قابله	ماما	
قابلیت احتراق	سوزائی	(ف) Combustibilité
قابلیت قسمت	بخش پذیری	(ح)

قاچیان	کامیار	(نام محل)
قارچ هائیکه برروی مواد غذائی میرویند	کفک	
قاسم آباد	آیرین	(نام محل وایستگاه)
قاشق	کوشك	
قاضی	دادرس	(د)
قاضی آباد	باغ یك	(نام ایستگاه)
قامیشله	نیستان	(نام محل)
قان یوخمز	پناده (مخفف پناه‌ده)	(نام‌محل)
قایق پاروئی یاموتوردار	کرجی	
قبض رسید	رسید	
قبله بولاغی	قبله چشمه	(نام محل)
قبول کردن	پذیرفتن	
قبول کنندهٔ پرداخت سندی	پذیرا	(ب)
قبولی (آگرمان)	پذیرش	
قپلانتو	کوپلان ده	(نام محل)

قدیم الایام	از دیرباز ـ روزگار پیش ـ روزگار پیشین		
قرائن و امارات	نشانها		
قراجه داغ	ا ـ رسباران		
قراچمن	سیاه چمن	(نام محل)	
قرار دادن تراز در آخر حساب برای مساوی کردن دو حاصل جمع	تراز کردن	(ب)	Balancer
قراعینی	سیه چشمه		
قراگز	زال	(نام ایستگاه)	
قرانطینه	قرنتین	(پ)	
قرص	گرده	(ف)	Disque
قرض	وام		
قره بغده	سیاه گندم	(نام محل)	
قره چر	سیاه چر	»	
قره‌سو	سیاه آب (نام رودیست در گرگان و نام ایستگاه)		
قره‌غان	سیاه دشت	(نام محل)	

قره غایه	سیاه پایه	(نام محل)	
قره گل	سیاه گل	»	
قره ناو	سیاه ناو	»	
قریهٔ عرب	پل دشت	»	
قزل اوزن	سفید رود		
قسط السنین	سالواره	(ح)	
قسمت	پاره	(ه)	Partie
قسمت بالای پرچمهای گل	بساك	(گ)	Anthere
قسمت پائین درخت	کنده		Souche
قسمت پهن برگ	پهنك	(گ)	Limbe
قسمتهای کوچك مادگی که بمیوه مبدل میشود	برچه	(گ)	Carpélle
قسمت‌های گود دریا	ژرفی	(ز)	Bathyal
قسمتی از یك ورقه سهم تجارتی	برش		(ب)
قشر	(مانند قشر زمین)	پوسته	

قشلاق	گرمسار	(نام ایستگاه)
قشون	ارتش	
قصاب	گوشت فروش	
قصبة الریه	نای	
قطانجق	سبزده	(نام محل)
قطعه فلزی که هنوز چیزی با آن ساخته نشده	شمش	
قفس صدری	قفس سینه	(پ)
قفسهٔ جای کتاب	گنجه	
قلعه بلند	ابردژ	(نام محل وایستگاه)
قلعه جقه	کلاچك	(نام محل
قلعه سحر	بام دژ	〃
قلیان	گل‌خیزان	〃
قنسول	(کنسول)	
قو تلو	کبودان	〃
قوجق	کوچك	〃

قوزلو سفلی	گلزار پائین	(نام محل)
قوزلو علیا	گلزار بالا	〃
قوس	کمان (ه)	Arc
قوس ام‌الشرائین	خم‌آورتا (پ)	Crosse de l'aorte
قوس و قزح	رنگین کمان	(ف)
قوه	۱ ـ توان	(ح)
	۲ ـ نیرو	(ف)
قیحی	۱ ـ پلشتی (پ)	Septicité
	۲ ـ پلشت	
قیلون	کلاننده	(نام محل)
قیمت	بها	〃
قیمت و ارزش هرسند یا متاع در روزیکه قیمت شده	نرخ	(ب)

ك

Capsule	پوشینه	(پ)
Capital	سرمایه	
Capitaliste	سرمایه‌دار	
Capitul	کلاَ پرك (ساقه‌ایکه گلهای کوچك بسیار برروی آن قرار میگیرند)	
(کارتن)	جزوه‌دان	
کاردستی	دست ورزی	
کارگر با آلات و افزار	افزارمند	
کاغذ کاربن	برگردان	
کافی	بسنده	Suffisante
(کالریمتر)	گرماسنج	(ف)
(کپی)	رونوشت	Copie
(کپیست)	(کسیکه از روی نوشته‌ای نوشتهٔ دیگر مینویسد	رونویس (ثبات)

کتاب و مجموعهٔ ورقهائیکه دبیران مینویسند دفتر

کحال چشم پزشك

Créancier طلبکار (کسیکه پول یا کالائی از دیگری باید باو برسد)

Corail مرجان (ط)

کرجی که با باد حرکت میکند کرو

کرد محله کرد کوی (نام محل)

کرکهای بسیار ریز درهم تافته پتك (ط) **Papule**

کرکهای ریز درهم تافته پت (ط) **Papille**

Corolle جام (همهٔ برگهای رنگین گل) (گ)

Croiseur رزم ناو

Croiseur de bataille نبرد ناو

کُره گوی (ه)

کره‌سی سبزکوه (نام محل)

Cristallographie بلور شناسی

Caisse صندوق (جعبهٔ چوبی یا فلزی برای نگاه داشتن یا بردن کالا از جائی بجائی)

کسب و حرفه پیشه

کسر ۱ - برخه (ح)
۲ - کم بود

کسر متناوب برخهٔ دوری (ح)

کسیکه بالاترین رتبهٔ علمی را از دانشگاه میگیرد دکتر

کسیکه بانك دارد بانك دار

کسیکه پولی را بدیگری مقروض است بده‌کار (ب) **Débiteur**

کسیکه پی چیزی میگردد پی گرد

کسیکه چیزی را برای گمراهی خریدار تغییر میدهد (عمل تغییر دادن متاعی برای گمراهی خریدار) دغل

کسیکه چیزی را میفروشد و بدیگری میدهد واگذارنده (ب)

کسیکه دفترهای حساب را بدستور حسابداری مینویسد	دفتردار	
کسیکه کارهای استان را انجام میدهد	استاندار	
کسیکه کارهای بانك را در شهر دیگری انجام میدهد	کار گزاز	(ب)
Caissier	صندوقدار (کسیکه در اداره یا بانك پول دریافت ویا پرداخت مینماید)	(ب)
کشتی جنگی بمعنی اعم	ناو	
کشتی زره پوش	زره‌دار	Cuirassé
کشتی کوچك جنگی	ناوچه	
کشتی کوچك دارای توپ	توپ دار	
کشیك	نگاهبانی	
کشیکچی	نگهبان	
کعب	ریشهٔ سوم	(ح)
کفیل (ضامن)	پایندان	(د)
کلاچ	چنگ (در هواپیمائی)	

کلسی	آهکی	(ز)
کلوب و کانون	باشگاه	
Colis	بسته	
کلینیك بمعنی مطب بیمارستان	درمان گاه	(پ)
کلینیك بمعنی مطب در خارج	پزشك خانه	(پ)
کلینیك بمعنی وصفی	بالینی	(پ)
Combat	رزم (محاربه میان دو گروه ارتش یا دو گروه از مردم)	
کمترین مقدار ممکن (حداقل)	کمینه	Minimum
کم کردن	کاستن	(ح)
کمیت	چندی	(ح)
کمیسر سرحدی	کلانتر مرز	
کمیساریا	کلانتری	
Contrat	قرارداد (نوشته‌ایست که ما بین دو یا چند نفر ردوبدل میشود)	
Contre torpilleur	ناوشکن (کشتی کوچك بسیار تندرو برای دنبال کردن اژدر افکن‌ها)	

(کنترول) بازدید

(کنترولر) بازبین Contrôleur

(کنفرانس) سخن‌رانی

(کنفرانس) دهنده سخن‌ران

کوچه‌های بزرگ از ۶ تا ۱۲ متر کوی

کوچه‌های پهن و بسیار کوتاه که در آنها بسته میشود دربند

کهنه شدن فرسودگی

Quitte بهل (دو نفر که حساب خود را تصفیه میکنند نسبت بیکدیگر بهل میشوند (پ)

Kyste کیسه (پ)

کیسهٔ صفرا زهره (پ)

کیفیت چونی (ح)

گ

Garde-robe — جامه‌گاه (جائی است در بنگاه های شبانه‌روزی که‌رخت‌وجامه‌درآن نگاه داری میشود)

گچ قره گلی — گچ ساران (نام محل)

گذرگاه سیل — آبراهه (ز) Canal d'coé-ulement d'un torrent

Guerre — جنگ (نزاع با اسلحه میان‌دو ملت یا دو کشور)

Grappe — خوشه (گ)

Graphique — نمودار

(گرانیت) وصوان — خارا (ز)

Granitique — خارائی (ز)

Grès — سنك ماسه (ز)

گروهبان‌دو (نیروی دریائی) — مهناوی دو

گروهبان‌یك (نیروی‌دریائی) — مهناوی یك

گسیختگی سنگها و جدا شدن آنها — شکست (ز) Cassure

گسیختگی طبقات موازی زمین — گسله (ز)

Glande — غده (پ)

گل یا برگی که دم ندارد — بی پایه (گ)

Glissement — لغزش (تغییرمحل جسمی بر روی جسم دیگر بقسمیکه نغلتدو نچرخد) (ف)

گلی که در ته آب میماند — لجن (ز) Vase

گلین — گلشن (نام محل)

گم‌زاد — نهان زا (گ)

گمش تپه — گومیشان (نام محل)

گواهینامه ایکه ازدبستان یا دبیرستان بدانش آموزان هرسال که درس خود را تمام کرده‌اند داده میشود — پروانچه

گیاهانی که برروی کود میرویند — کودُرست

گیاه ذوفلقتین دولپه (گ)

(گیشه) باجه

ل

لازم بایسته Nécessaire

Lagune مرداب (پیش رفتگی کوچك دریا درخشکی) (ز)

لامسه بساوائی (پ)

Lenticelle عدسك (برجستگی های کوچك مانند عدس که بر روی ساقهٔ گیاهان است) (گ)

(لانس ترپیل) اژدر انداز

Languette زبانه (برگ باریك و دراز) (گ)

Lave گدازه (تودهٔ گداخته که از آتش فشان بیرون میریزد) (ز)

لدی‌الورود همین که رسید ـ همین که آمد ـ برسیدن ـ بورود ـ بآمدن

لغت واژه

لگن خاصره لـگن (پ)

لمس کردن بساویدن ـ بسودن (پ)

لوازم التحریر نوشت افزار

لوزه بادامك (پ)

Levure بوزك (گ)

Librairie کتاب فروشی (مغازه‌ایکه در آن کتاب فروخته میشود)

Liber آب‌کش (ط)

لیخن گل سنگ (گ)

لیف Filament رشته (ط)

Ligule زبانك (برگ بسیار باریك و کوچك) (گ)

Lignée پروز (گ)

م

مآت	سدگان	(ح)
مأمور احصاء	آمارگر	
مأمور اطفائیه	آتش نشان	
مأمور تنظیف	رُفت‌گر	
مؤسسه	بنگاه	
Mât	ستون (در هواپیمائی)	
مائه	سده	(ح)
Marécage	لشاب (جائی که در آن آب ایستاده و در آن علف ونی بروید)	(ز)
Marais	مانداب (جائی که در آن آب مانده و بدبو میشود)	(ز)
مازاد	فزونی	
Macrophage	درشت خوار	(پ)

مال‌التجاره (متاع ـ لباس ـ اسباب خانه) کالا

مال‌امیر ایذه (نام محل)

مالیه (آنچه ازخواسته‌وکالامتعلق بکسی باشد) دارائی

مامق سفلی مامك پائین (نام محل)

مامق علیا مامك بالا

Mandibule زفره (ج)

مانند خارا خارا نما (ز)

مبدأ خاست‌گاه (ط) Origine

مبنا پایه (ح) Base

Métamorphique دگردیس (ز)

Métamorphose دگردیسی (ز)

متبلور بلور شده (ز)

متبلور مطبق بلورلایه (ز)

متحدالمآل بخش‌نامه

متخصص احصائیه آمار شناس

متخصص در اصول تداوی درمان شناس

متصاعد فرایاز (ح)

متصدی کار دستی دست ورز

متصدی کار های بخش بخش‌دار

متصدی کار های بلوك ده دار

متصدی ملزومات (رئیس مباشرت) کارپرداز

متصل پیوسته (ه)

متفق‌الرأی هم‌رای ـ هم‌داستان

متفق‌الکلام ـ متفق‌القول هم سخن ـ یك دل ـ یك زبان ـ هم‌زبان هم رواز

متقارب هم‌رس (ه) Concourant

متقاعد باز نشسته

متوالی پیاپی (ح)

متوسط و معتدل میانه (ه) Moyenne

متوفی	مرده	(پ)	Le mort
مثانه	آب دان	(پ)	Vessie
مثانهٔ کوچك	آب‌دانك	(پ)	Vesicule
مثلث	سه‌گوشه	(ه)	
مجازات	کیفر	(د)	
مجذور	توان دوم	(ح)	
مجرای بول	پیشاب راه	(پ)	
مجرم	بزه کار	(د)	
مجعول	ساختگی		
مجموع	روی هم	(ح)	
مجموعهٔ پرچم‌های گیاه	نافه	(گ)	
مجوف (میان تهی)	کاواك	(ف)	Creux
مجهول الهویه	ناشناخت ـ ناشناس ـ گم‌نام		
محاسب ـ رئیس حسابداری	حساب دار		
محاکمه	دادرسی	(د)	

محال علیه	برات گیر	(ب)	
محبس	زندان		
محبوس	زندانی		
محترق	سوزان	(ف)	Brulant
محدب	کوژ	(ف)	Convex
محرق	۱ ـ سوزآور	(ف)	Caustique
	۲ ـ سوزاننده	(ف)	Comburant
محصل مدارس عالی	دانش جو		
محصول مفید ـ ضریب انتفاع	بازده	(ف)	Rendement
محفظهٔ ریشه	کلاهك	(گ)	Coiffe
محقق	بازجو		
محکمه	دادگاه	(د)	
محکمهٔ استیناف	دادگاه استان	(د)	
محکمهٔ بدایت	دادگاه شهرستان	(د)	
محکمهٔ صلح	دادگاه بخش	(د)	

محلات شهر	برزن	
محل پاس - جای قراولی	پاس گاه	
محلی که اسب ها باید بآن نقطه برسند	تك انجام	
محلیکه در ادارهٔ شهرداری برای زائیدن زن ها آماده شده است	زایش گاه	
محلیکه درخوزستان طایفهٔ بنی طرف در آن مسکن دارند	دشت میشان	
محمره	خرم شهر	(نام محل)
محیط	پیرامون	(ه)
محیل	برات کش	(ب)
مخارج	هزینه	
مخرج کسر	برخه نام	(ح)
مخزن کتاب	گنجینه	
مخفی التناسل - مخفی الزهر	نهان زا	(گ)
مخفی التناسل وعائی	نهان زادان آوندی	(گ)

مخلوط کنندهٔ سوخت	سوخت آما	Carburateur
	مدال (سکه مانندیست که بپاس خدمت کسی بوی داده میشود)	Médaille
مدرج ساختن	زینه بندی (ف)	Graduation
مدرسه	آموزش گاه	
مدعی	خواهان	(د)
مدعی به	خواسته	(د)
مدعی علیه	خوانده	(د)
مدعی العموم	دادستان	(د)
مدفوع	چمین	(پ)
مدفوع شکل	پیخاله	(پ)
	میانه (خطی که ازرأس مثلث بوسط قاعده متصل میشود)	Médiane (ه)
مرابحه	بهره کاری	(ح)
مربع مستطیل	راست گوشه	(ه)
	مرده زادی	Mortinatalité (پ)

	Morsure	گزش	(پ)
مرض		بیماری	(پ)
مرفه الحال		با آسایش ـ آسوده حال ـ تن آسا ـ آسوده	
مرقومه و مراسله		نامه	
مرکز ثقل		گرانی گاه	(ف)
مرهونه		گروکان	
مری		سرخ نای	(پ)
مریضخانهٔ بلدی		بیمارستان شهر	
	Mésentére	روده بند	(پ)
مساح		زمین پیما	
مساعده		پیش پرداخت	
مساوی		برابر	(ه)
مستأنف		پژوهش خواه	(د)
مستأنف علیه		پژوهش خوانده	(د)
مستأنف عنه		پژوهش خواسته	(د)

مستحاث		سنگ واره	(ز) Fossile
مستحفظ زندان		زندان بان	
مستخدم		خدمتگزار	
مستدعی تمیز		فرجام خواه	(د)
مستدعی علیه تمیز		فرجام خوانده	(د)
مستقیم		راسته	(ح) (ه)
مستنطق		باز پرس	(د)
مستور البذور		نهان دانگان	(گ)
مسکن		آرام ده	(پ)
مسلخ		کشتارگاه	
مشاور ـ مستشار سفارت		رای زن	
مشاوره		رای زنی	
مشرق		خاور	
مشی	(در هواپیما)	روش	
مشی کار		روند	(ف) Allure

مصمت	غنده	(ف)	Massif
مصونیت خاصی که پاره‌ای از اشخاص مانند وزرای مختار و سفرای کبار نسبت بقوانین قضائی کشوری که در آن رفته‌اند دارا میباشند	برون مرزی		
مضروب	بس شمرده	(ح)	
مضروب فیه	بس شمر	(ح)	
مضغ کردن	جویدن	(پ)	Mâcher
مطالعه	بررسی		Révision
مطبعه	چاپخانه		
معادل	هم چند	(ح)	Equivalent
معادله	هم چندی	(ح)	Equation
معارف	فرهنگ		
معافیت ـ صرف نظر کردن	بخشودگی		
معالجهٔ قبلی	پیش پاس	(پ)	
معاون فنی	دست‌یار		

معبر	گذر		
معدن	کان		
معدن شناسی	کان شناسی	(ز)	
معدنی	کانی	(ز)	
معذلك	با این حال ـ بااین‌همه ـ باوجوداین		
معرفة‌الاحجار	سنگ شناسی	(ز)	
معرفة‌الاحشاء	اندرونه شناسی	(پ)	
معرفة‌الارض	زمین شناسی		
معرفة‌العروق	رگ شناسی	(پ)	
معرفة‌العضلات	مایچه شناسی	(پ)	
معرفة‌العظام	استخوان شناسی		
معرفة‌المفاصل	بند شناسی	(پ)	
معرفة‌النبات	گیاه شناسی	(گ)	
معرفت طبقات‌الارض	چینه شناسی	(ز)	Stratigra - phie

معکوس	وارون	(ه)
معلم دانشکده و دانشسرای عالی	استاد	
معلم دبستان	آموزگار	
معماری	ساختمان	(ش)
معین کردن پشتوانه در بانك	پوشاندن	Couvrire
مفتاح	کلید	
مفتش	بازرس	
مفروق	کاسته	(ح)
مفروق منه	کاهش یاب	(ح)
مفصل	بند	
مفقود الاثر	گم شده ـ ناپیدا ـ ناپدید ـ پی‌گم	
مقام (اشل ـ رتبه)	پایه	
مقاوله نامه	پیوند نامه	
مقدار	اندازه	
مقسوم	بخشی	(ح)

مقسوم علیه	بخش یاب	(ح)
مقسوم علیه مشترك ـ عاد مشترك	بخش یاب مشترك	(ح)
مقضی المرام	کامیاب ـ کام روا	
مقطع	بُرش (ط)	Coupe
مقعر	کاو	(ف)
مقوّم	ارزیاب	
مقیاس (اشل)	نرده	(ه)
مکانی که آثار صنعتی و چیز‌های گران بهاء در آن بمعرض نمایش گذارده میشود	موزه	
مکعب	توان سوم	(ح)
ملاح	ملوان	
ملح	نمك	
ممرض	بیماری زا	(پ)
ممیز عنه	فرجام خواسته	(د)

من البدو الی الختم از سرتاته ـ سراسر ـ از آغاز تاانجام ـ از اول تا آخر ـ ازسر تابن ـ سرتاسر

منتجه برآیند (ف) Résultante

منحنی خم (ه)

من حیث المجموع روی هم رفته

منشور شوشه (ه)

منصف الزاویه نیمساز (ه)

منطق گویا (ح)

منفصل الطاس و گشاده جام جدا گل برگان (گ)

منفعت حاصل از بازرگانی سود

منفعت خالص سود ویژه

منفعت غیرخالص سود ناویژه

Monocellulaire تك یاخته (جانورانی که یك یاخته دارند) (ج)

موالید زاد (پ)

موت مرگ (پ) La mort

موجوداتی که چند یاخته دارند پریاخته (ط) Pluricellulaire

Mousse خزه (رُستنی هائی که در جای نمناك میرویند) (گ)

موعد سر رسید

موعدقراولی و عمل قراولی پاس

مولد زایا (ف) Générateur

مولود مرده بدنیا آمده مرده زاد (پ) Mort - né

Momification مومیا کاری (پ)

مهما امکن تابتوان ـ باندازهٔ توانائی

میانج میانه (نام صحیح محلی است در آذربایجان که های آخر آنرا تبدیل به ج کرده میانج مینامیدند)

میدان اسب دوانی و نمایشگاه اسپریس

میدان چای مهران رود (نام سیلابی است که از تبریز میگذرد)

میراب آب یار

میزان الرطوبه نم سنج (ف)

میزان القوه نیروسنج (ف)

Microbe	«میکروب» (جانوران ذره بینی بسیار کوچك)	(پ)	
Microbiologie	میکروب شناسی	(پ)	
Microbiologiste	میکروب شناس	(پ)	
(میکرسکپ)	ریز بین	(ف)	
Microphage	ریز خوار	(پ)	
Micrographie	خرد نگاری	(ز)	
Microlithique	ریز دانه	(ز)	
میلهٔ نر	پرچم	(گ)	Etamine
(مینوت)	پیش‌نویس		

ن

ن

ناحیه (هریك از تقسیمات ولایتی) بخش

ناخن کوچك ناخنك (گ) Onglet

نازل پائین رو (پ)

نام ایستگاه شمارهٔ ۱۰ راه آهن شمال کارخانه

ناوبر در کشتیهای تجارتی (ملاح) ملوان

ناهارخوران نام آوران (نام محل)

نایب اول در شهربانی رسدبان یك

نایب دوم « رسدبان دو

نایب سوم « رسدبان سه

نایب سرهنگ « پاسیار دو

نبات رستنی (گ)

نباتات رُستنی‌ها (گ)

Note de débit یاد داشت پرداخت (ب)

Note de crédit یاد داشت دریافت (ب)

نتیجهٔ عمل تقویم ارز یافت

نجار درودگر

نجف آباد ناهید (نام ایستگاه)

نخاع مغز تیره

نخ عمامه نخ گروهه

نرخ سودی که بهر صد ریال سرمایه بسته میشود در صد (ب)

Nerithique پایابی (مربوط بجائیکه چندان گود نباشد) (ز)

نسج بافت (پ)

نسج شناس بافت شناس (پ)

نسج شناسی بافت شناسی (پ)

نسیه پسا دست A - crédit

نصب گماشتن

نظامنامه آئین نامه

نظمیه شهربانی

نظیر تیپ درارتش ناوگروه (نیروی دریائی)

نظیر لشگر درارتش ناو تیپ

نفع وضرر سود و زیان

نقض شکستن (د)

نقلیه بارکشی

نقلیهٔ بطی السیر بارکشی کند

نقلیهٔ سریع السیر بارکشی تند

Nectare نوش (مادهٔ شیرینی که درپای گل برگ ها است) (گ)

Néctarifère نوش آور (گل‌برگی که دارای نوش است) (گ)

Néctaire نوش جای (جایگاه‌مادهٔشیرین‌گل) (گ)

نمره شماره

نوشتن درپی چیزی (دستوریکه رؤسای‌ادارات‌درپائین‌نامه‌هامینویسند) پی نوشت

نوشتن رقم های خرید و فروش در دفترهای رسمی بازرگانی بدفتر بردن

نوشتن‌وامضاءکردن‌درپای نوشته‌ای برای تعهد انجام کاری که‌درآن نوشته شرح داده شده پذیره نویسی Sousciption

و

(وات متر)	وات سنج	(ف)
واحد	یکه	(ح)
واحدپول براساس دو فلز طلاو نقره (بی متالیسم)	دو فلزی	
وارد	رسیده	(نامه هائی که برسد)
Variété	جور	(گ)
Vaccin	مایه (بنیاد هرچیز را گویند)	(پ)
Vaccination	مایه زنی	
Valvule - tricuspide	دریچهٔ سه لختی (یکی از دریچه های دل)	(پ)
Valvule - sigmoïde	دریچهٔ سینی »	(پ)
Valvule - mitrale	دریچهٔ دو لختی »	(پ)
وتر	۱ ـ زه	(ه)
	۲ ـ پیوند (رشته هائی که ماهیچه ها را بیکدیگر وصل میکند)	

وثیقه	گرو		Gage
وجود	هستی	(ف)	Existence
وجه	رو	(ه)	
ودیعه	سپردن (گذاشتن چیزی در جائی تا مدت معینی)		
ودیعه دهنده	سپارنده		
	آب ریز	(ز)	Versant
ورق	برگ		
ورقهٔ اعتبار	اعتبار نامه	(ب)	
ورقهٔ حکمیه	دادنامه	(د)	
ورقهٔ ولادت	زایچه		
ورقهٔ هویت	شناسنامه		
ورید	سیاهرگ		
ورید اجوف اسفل	بزرگ سیاهرگ زیرین	(پ)	
ورید اجوف اعلی	» زبرین	(پ)	
	رسیدگی		Verification

	رسیدگی کردن		Verifier
وزارت تجارت	وزارت بازرگانی		
» داخله	» کشور		
» صناعت	» پیشه و هنر		
» طرق	» راه		
» عدلیه	» دادگستری		
» مالیه	» دارائی		
» معارف	» فرهنگ		
وزن وثقل	سنگینی		
وزنه	سنگ	(ف)	
وسط	میان	(ه)	Milieu
وسطین تناسب	دومیان	(ح)	
وسعت	پهنه	(ه)	
وصول	دریافت		
وضع تاجر ورشکست	ورشکستگی		

وضع حمل	زایمان	(پ)	
وضع عمومی آشکوب ها	رخساره	(ز)	Facies
وضع و اندازهٔ معین	هنجار	(ه)	Norme
وعاء	آوند	(پ)	
وعائی	آوندی	(گ)	Vasculaire
وعاء لنفاوی	سپید رگ		
وکلاء انجمن بلدی	نمایندگان شهر		
وکیل اول در شهربانی	سرپاسبان یك		
وکیل دوم	« « دو		
وکیل سوم	« « سه		
وکیل عمومی	دادیار	(د)	
ولایت	شهرستان		
(ولت متر)	ولت سنج	(ف)	
	Voile پرده	(ط)	
(ویزا)	روا دید		

	Vision دید	(پ)	
(ویس کنسول)	کنسول یار		

ه

هاگ کوچك	هاگ چه (گ)	Sporule
هذه‌السنه	امسال	
هضم	گوارش	
هلاکو	هرزند (نام ایستگاه)	
هم‌ارزی دو چیز	برابری	(ب)
	مهار (قسمتی‌است درهواپیما که بال‌ها را بیك دیگر متصل میکند)	Hauban
	شتاب نما	Hodographe (ف)
	خسته خانه	Hospice
هیئت قراول	پاس داران	

ی

یار احمد زائی شهنواز (نام طایفه ایست در مکران)

یام پیام (نام ایستگاه)

یراق ستام

یکی از دوخانهٔ بالائی دل دهلیز (پ) Oreillette

یکی ازدوخانهٔ کوچك بالای دل دهلیز (پ) Vestibule

یکی ازقسمت‌های (آسانسور) زیر خان

یورقل یارگل (نام محل)

قسمت آخر :

ازجهة تسهیل مراجعه کارمندان قضائی واژه های مخصوص دادگستری که دراین دفتر در هرحرفی بجای خود آمده ـ مجـــدد تمام آنها به ترتیب حروف الفباء دریك جا جمع آوری شده .

واژه های دادگستری (اصطلاحات قضائی)

۱ - واژه های نو - لغات قدیم

آ

آئین دادرسی اصول محاکمات

استوار کردن ابرام - تأیید - تنفیذ کردن

ب

بازپرس مستنطق

بازپرسی استنطاق

بازداشت توقیف

بازداشت گاه توقیف گاه

بازداشته توقیفی و توقیف شده

بزه جرم

بزه کار مجرم

پ

پایندان کفیل ـ ضامن

پژوهش خواسته مستأنف عنه

پژوهش خوانده مستأنف علیه

پژوهش خواه مستأنف

خ

خواسته مدعی به

خوانده مدعی‌علیه

خواهان مدعی

د

دادخواست	عرضحال
دادرس	قاضی
دادرسی	محاکمه
دادستان	مدعی‌العموم
دادسرا	پارکه
دادگاه	محکمه
دادگاه استان	محکمهٔ استیناف
دادگاه بخش	محکمهٔ صلح
دادگاه شهرستان	محکمهٔ بدایت
دادگستری	عدلیه
دادنامه	ورقهٔ حکمیه
دادیار	وکیل عمومی
داوَر	حَکم
داوَری	حَکمیت

دستگیر کردن	توقیف شخص
دیوان دادرسی کشور	دیوان عالی تمیز

ر

رای رأی

رسیدگی فرجامی رسیدگی تمیزی

رسیدگی نخستین رسیدگی بدایت

س

سازش صلح

سرداوَر حَکم مشترک

ش

شکستن نقض

ف

فرجام رسیدگی تمیزی

فرجام خواسته ممیزعنه

فرجام خوانده مستدعی علیه تمیز

فرجام خواه مستدعی تمیز

ک

کاخ دادگستری	عمارت عدلیه
کارشناس	اهل خبره
کارشناسی	خبرویت
کیفر	مجازات
کیفری	جزائی

گ

گسیختن	فسخ
گواه	شاهد
گواه خواستن	استشهاد کردن
گواه خواهی	استشهاد
گواهی	شهادت

و

وازدن رد

۲ - لغات قدیم - واژه های نو

الف

ابرام کردن استوار کردن

استشهاد گواه خواهی

استشهاد کردن گواه خواستن

استنطاق باز پرسی

اصول محاکمات آئین دادرسی

اهل خبره کار شناس

پ

(پارکه)	دادسرا

ت

تأیید کردن	استوار کردن
تنفیذ کردن	»
توقیف	بازداشت
توقیف شخص	دستگیر کردن
توقیف گاه	بازداشت گاه
توقیفی و توقیف شده	بازداشته

ج

جرم	بزہ	
جزائی	کیفری	

ح

حَکم	داوَر	
حکم مشترک	سرداور	
حکمیت	داوری	

خ

خبرویت — کارشناسی

د

دیوان عالی تمیز — دیوان دادرسی کشور

ر

رأی	رای	
رد	وازدن	
رسیدگی بدایت	رسیدگی نخستین	
رسیدگی تمیزی	رسیدگی فرجامی ـ فرجام	

ش

شاهد	گواه
شهادت	گواهی

ص

صلح	سازش

ع

عدلیه	دادگستری
عرضحال	دادخواست
عمارت عدلیه	کاخ دادگستری

ف

فسخ گسیختن

ق

قاضی دادرس

ک

کفیل ـ ضامن	پایندان

م

مجازات	کیفر
مجرم	بزه کار
محاکمه	دادرسی
محکمه	دادگاه
محکمهٔ استیناف	دادگاه استان
محکمهٔ بدایت	دادگاه شهرستان
محکمهٔ صلح	دادگاه بخش
مدعی	خواهان
مدعی العموم	دادستان
مدعی به	خواسته
مدعی علیه	خوانده
مستأنف	پژوهش خواه
مستأنف علیه	پژوهش خوانده

مستأنف عنه	پژوهش خواسته
مستدعی تمیز	فرجام خواه
مستدعی علیه تمیز	فرجام خوانده
مستنطق	بازپرس
ممیز عنه	فرجام خواسته

ن

نقض	شکستن

و

ورقهٔ حکمیه	دادنامه	
وکیل عمومی	دادیار	

شمارهٔ ترتیب	حرف	تعداد واژه‌ها: واژه های نو	تعداد واژه‌ها: لغات قدیم
۱	آ	۱۲۷	۱۹۷
۲	ب	۲۲۵	۶۴
۳	پ	۱۳۶	۴۱
۴	ت	۶۹	۷۸
۵	ث	—	۲
۶	ج	۲۵	۲۹
۷	چ	۳۳	۷
۸	ح	۳	۴۵
۹	خ	۳۵	۱۶
۱۰	د	۱۲۵	۴۵
۱۱	ذ	—	۱۱
۱۲	ر	۷۳	۵۷
۱۳	ز	۴۸	۱۱
۱۴	ژ	۲	۵
۱۵	س	۱۰۸	۷
۱۶	ش	۳۷	۲۰
	جمع	۱۰۴۶	۷۰۴

شمارهٔ ترتیب	حرف	تعداد واژه‌ها	
		واژه‌های نو	لغات قدیم
	جمع صفحه قبل	۱۰۴۶	۷۰۴
۱۷	ص	۳	۲۹
۱۸	ض	—	۱۷
۱۹	ط	۱	۲۹
۲۰	ظ	—	۲
۲۱	ع	۱	۸۰
۲۲	غ	۸	۱۴
۲۳	ف	۱۸	۲۶
۲۴	ق	۶	۸۰
۲۵	ك	۸۹	۷۵
۲۶	گ	۶۸	۲۴
۲۷	ل	۸	۲۰
۲۸	م	۵۸	۲۲۸
۲۹	ن	۹۳	۴۲
۳۰	و	۳۳	۵۸
۳۱	ه	۳۹	۹
۳۲	ی	۱۳	۷
	جمع	۴۳۸	۷۴۰
	جمع کل	۱۴۸۴	۱۴۴۴

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳	۵	Machoire	Mâchoire
۵	۱۱	نام محل ایستگاه	نام محل و ایستگاه
۶	۶	دارای اعتبا	دارای اعتبار
۷	۹	ناحیه	یکی‌ازده ناحیهٔ بزرگ کشور
۸	۴	افزاز	افزار
۱۴	۱۰	کلوپ	کلوب
۲۴	۱۱	Quite	Quitte
۳۵	۲	پلشت	پلشت بر
۴۲	۶	زائـــــــــــد است	
۴۳	۷	تکان تپه	تیکان تپه
۴۹	۷	Gerre	Guerre
۶۹	۶	(نام محـــل) زائـــــــد است	
۶۹	۸	پس از رباط گوزلك (نام محل) اضافه شود	
۹۲	۴	(ب) Piqure	(پ) Piqûre
۹۳	۷	نام محل	نام رود
۱۲۰	۲	گچ ساران ـ گچ قره گلی	گچ ساران ـ گچ قره گلی

اهدائی
محمد [illegible] خاقانی

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۳۰	۶	مشکا آباد	مشکاباد
۱۵۳	۲	آب گورا	آب گوارا
۱۶۵	۱	بیماری	بیماریهای
	۱۳	میگذازند	میگذارند
۱۷۵	۱۰	درو	در رو
۱۸۲	۶	دریافت	دریافتی
۱۹۶	۱۲	ب	پ
۲۰۳	۶	زنه	زینه
۲۰۴	۱۳	دوچیزی	دوچیز
۲۰۷	۷	چارپر	چاربر
۲۶۵	۳	کارگزاز	کارگزار
۲۶۹	۲	گچ قره‌گلی ـ گچ ساران	گچ قره گلی ـ گچ ساران
۲۶۹	۳	Canal coéule - ment	Canal d' écou - lement
۲۷۸	۱۱	هم رواز	هم آواز
۲۸۵	۹	مضع کردن	مضغ کردن